



منادیان شوم تجزیه آذربایجان از ایران (۲)

گاموح، جاماح، یئنی گاموح، دیرنیش و گاسپ

اصغر حیدری^۱

اشاره

در کتاب *انقلاب اسلامی و گروه‌های تجزیه طلب* که توسط بنیاد تاریخ پژوهی منتشر شده، برخی از جریان‌ات و گروه‌های تجزیه طلبی که ندای شوم تجزیه آذربایجان از ایران اسلامی را سر می‌دهند، معرفی و اهداف و فعالیت‌هایشان توضیح داده شده است. در بخش اول این مقاله به معرفی و تحلیل اهداف تجزیه طلبان دیگری چون گردانندگان گوناختی‌وی، داک و باران داخلی تجزیه طلبان (تجزیه آذربایجان از ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان) و عقبه‌های پشتیبان آنها پرداختیم. در این بخش به معرفی و تحلیل دیگر تشکیلات منادیان شوم تجزیه آذربایجان از ایران یعنی گاموح، جاماح، یئنی گاموح، گاسپ و دیرنیش و نیز عقبه‌های پشتیبان آنان (ترکیه، امریکا و اسرائیل) می‌پردازیم. امید است که این مقالات به آگاهی و بصیرت جوانان ایرانی به ویژه آذربایجانی‌های غیور و حماسه‌آفرین در طول تاریخ ایران بیفزاید.

۱. مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد ایران‌شناسی



محمود علی چهرگانی

۱. چهرگانی و تشکیلات گاموح

معرفی چهرگانی

محمود علی چهرگانی (چهره‌گانی) متولد سال ۱۳۳۶ در روستای چهرگان شبستر (آذربایجان شرقی) است. در سال ۱۳۷۱ از دانشگاه تربیت مدرس تهران مدرک فوق لیسانس گرفت و پایان‌نامه ارشد خود را با موضوع «واژگان ترکی در زبان فارسی» به دانشگاه غیر

انتفاعی «سلیمان نظامی‌اف» در باکو ارائه داد. با دفاع از این پایان‌نامه ارشد توانست مدرک دکتری از این دانشگاه غیر انتفاعی به صورت افتخاری دریافت نماید که مورد تأیید وزارت علوم ایران قرار نگرفت.

چهرگانی که در دانشگاه تربیت مدرس در سمت رئیس بسیج اساتید نیز فعالیت می‌کرد، در سال ۱۳۷۳ به دانشگاه تربیت معلم آذربایجان در تبریز منتقل گردید. وی در چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۷۴ شرکت کرد ولی رأی نیاورد و با توهم اینکه آرای وی به حساب دیگران گذاشته شده، دست به تبلیغات سوئی زد و طرفداران خود در تبریز را تحریک نمود.

چهرگانی در سال ۱۳۷۵ به هنگام خروج غیر قانونی از کشور دستگیر گردید. این بازداشت وسیله‌ای برای وی جهت بزرگ‌نمایی وی و مصاحبه با رسانه‌های خارج کشور شد. صلاحیت نامزدی چهرگانی در سال ۱۳۷۷ جهت انتخابات شورای شهر تبریز به علت سوابق منفی تأیید نگردید. در پی این امر، وی در محله ۴۲ متری در جنوب شهر تبریز غائله‌ای به پا نمود که با دستگیری عده‌ای پایان یافت.

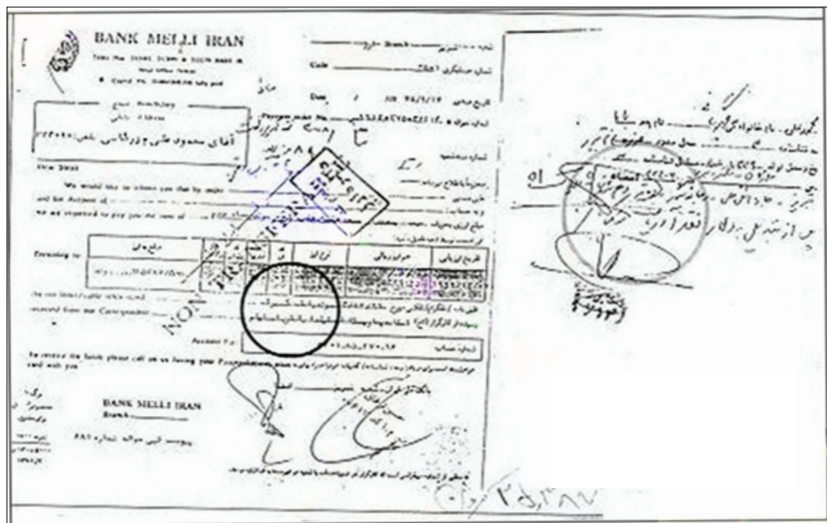
چهرگانی در این مدت تشکیلات گسترده پان‌ترکی راه‌اندازی کرد و هواداران خود را در قالب کمیته‌های مختلف با خط‌گیری از رژیم باکو و ارتباط‌هایی که از زمان ایلچی‌بیگ (رئیس‌جمهور وقت جمهوری آذربایجان)^۱ به دست آورده بود، سازماندهی کرد. گویا

۱. ابوالفضل ایلچی‌بیگ (۱۹۹۳-۱۹۹۲). ایاز مطلب اوف اولین رئیس‌جمهور آذربایجان (۱۹۹۲-۱۹۹۱) رهبر حزب یگانگی اجتماعی مدنی) طی یک کودتا در ژوئن ۱۹۹۳ از قدرت کنارت رفت و انتخابات ریاست‌جمهوری جدید در ژوئن ۱۹۹۲ برگزار شد که ایلچی‌بیگ سیاست‌مدار آذربایجانی و یکی از مخالفان اتحاد جماهیر شوروی سابق به عنوان دومین رئیس‌جمهور جمهوری آذربایجان و نخستین رئیس‌جمهور غیر کمونیست جمهوری آذربایجان طی انتخابات آزاد این مقام را در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۲ احراز کرد.

تلاش‌هایی برای مسلح شدن و طرحی برای خروج از کشور (و احتمالاً ورود به جمهوری آذربایجان) همراه با سر و صدای زیاد تدارک دیده شده بود.

ایلچی بیگ رئیس جمهوری احساساتی و غیر عادی رژیم باکو پیش از خاندان علی‌اف‌ها (حیدر و پسرش الهام)،^۱ به منظور ارتباط بیشتر با چهرگانی کمیته دفاع از وی تشکیل داد و چهرگانی نیز خود را مطیع بی‌چون و چرای ایلچی بیگ دانست.

از طرف دیگر چهرگانی با جمیل اونسال از عوامل میت (سرویس اطلاعات ترکیه) پیوندهایی داشت و برخی دستورات را از وی اخذ می‌کرد. هنگامی که چهرگانی در کشور بود، پیروز دیلنچی (رئیس جاماح، در ادامه توضیح داده خواهد شد) به عنوان کمک مالی به چهرگانی لوازم آرایشی و بهداشتی به ارزش چهارهزار دلار ارسال کرد که به علت قاچاق بودن وسایل، کالاها توقیف و چهرگانی به اتهام قاچاق بازداشت گردید. یکی از نشریات محلی تبریز به نام میثاقی فاش ساخت که چهرگانی مبالغ زیادی پول از خارج دریافت کرده است و رونوشتی از فیش بانکی این پول را ارائه داد. این پول از سوئد به حساب شخصی چهرگانی در ایران واریز شده بود و مربوط به سال ۱۳۷۸ می‌شد.^۲



واریز پول از خارج کشور به حساب چهرگانی، ۱۳۷۸/۹/۱۷

۱. الهام علی‌اف (۲۰۰۳-۲۰۱۳، ۲۰۰۸). او متولد ۲۴ دسامبر ۱۹۶۱ در شهر باکو، فرزند حیدر علی اوف و رئیس جمهور کنونی جمهوری آذربایجان است که از تاریخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ قدرت را پس از درگذشت پدرش در دست گرفت. وی در دانشگاه دولتی مسکو در رشته روابط خارجی تحصیل کرده و دکتری تاریخ گرفته است.

2. www.cloob.com/user/memoirs/one/username/babak_emreh/memid/3143920

چهرگانی و تشکیلات جاماح

چهرگانی از سال ۱۹۹۹م رهبر جاماح بود. منظور از جاماح (به ترکی آذربایجانی: Cənubi Azərbaycan Milli Azadlıq Hərəkatı جنوبی آذربایجان میلی آزادلیق حرکتی. مخفف از حروف اول کلمات: جاماح) جنبش آزادی بخش ملی آذربایجان جنوبی، اولین تشکیلات ملی گرای تجزیه طلب است که برای جدایی آذربایجان ایران از ایران و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان یا تشکیل «آذربایجان واحد» فعالیت می کند. این گروه سیاسی در سال ۱۹۹۱م توسط پیروز دینچی بنیان گذاری شد. فعالیت جاماح که پایگاه اصلی آن در شهر باکو قرار دارد در ایران ممنوع اعلام شده است.

از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۹م رهبری جاماح به عهده پیروز دینچی بود. در ۱۹۹۹ وی به سمت معاونت نزول و محمود علی چهرگانی رهبری تشکیلات را برعهده گرفت. پس از نزدیک به سه سال در تاریخ ۲۱ ژانویه ۲۰۰۲م به دلیل اختلافات درونی هیئت رهبری تشکیلات، چهرگانی توسط پشتیبانان دینچی با اکثریت آرا از جاماح اخراج شد و دینچی برای بار دوم رهبری جاماح را به دست گرفت.



سال ۱۹۹۹م - کمیته جاماح در باکو

ایستاده از چپ به راست: جواد اسماعیلی (معاون مطبوعاتی جاماح)، ح. بابایی (عضو کمیته تبریز، خواننده)، محرم (عضو تیم ویژه جاماح)، آصلان خالدی (معاون اول جاماح)، پیروز دینچی (رهبر جاماح)، بولود قاراپاق (عضو جاماح - کانادا)، رضا (عضو جاماح) نشسته از چپ به راست: باریش جلال اوغلو (رئیس مرکز تحلیلی - خبری جاماح)، بابک آذر اوغلو (معاون ویژه و رابط چهرگانی با کمیته باکوی جاماح)، خالق امیر آصلانوف (عضو جاماح)



چهرگانی (سمت راست) و صفدر
رحیمی از اعضای داک در باکو

تأسیس گاموح

پس از اخراج چهرگانی و دوستانش از جاماح، وی ابتدا گروهک قبلی خود را که «جبهه ملی اسلامی آذربایجان» نام داشت، منحل نمود و گروهک دیگری را با نام گاموح تأسیس کرد.

گاموح (مخفف عبارت ترکی
Azərbaycan Milli: آذربایجانی)

Oyanış Hərəkatı Güney آذربایجان میلی اوپانیش حرکتی) که به فارسی: «جنبش بیداری ملی آذربایجان جنوبی» خوانده می‌شود، درست مانند جاماح گروه سیاسی تجزیه طلبی است که برای جدایی آذربایجان ایران از کشور ایران و اتحاد آن با جمهوری آذربایجان یا تشکیل «آذربایجان واحد» فعالیت می‌کند.

جاماح و گاموح اهداف مشترکی دارند و توسط جریان‌ها و حکومت‌های مشترکی نیز پشتیبانی می‌شوند. اما در این میان اعضا و سران هر دو می‌کوشند خود ریاست و فرماندهی را به دست بگیرند، دیگری را وادار به اطاعت نمایند و پول‌های کثیف را خود در اختیار گیرند! یعنی رقابت و دشمنی بر سر بردن و خوردن است و درد نان دارند نه دین!! چهرگانی برای پیشبرد اهداف پان تر کیستی و تجزیه طلبانه‌اش روابط ویژه‌ای با اعضای داک (کنگره آذربایجانی‌های جهان) در باکو نیز ایجاد کرده است!

چهرگانی در اوایل سال ۲۰۰۲م/ ۱۳۸۱ش ایران را به قصد اروپا ترک نمود. پس از چند ماه از آنجا به جمهوری آذربایجان و ترکیه سفر کرد. هنگامی که در ترکیه بود، با مراجعه به سفارت امریکا تقاضای پناهندگی نمود و اکنون مقیم امریکاست.^۱

شناخت چهرگانی از نوشته‌های سایت گاموح

در سایت اینترنتی تشکیلات چهرگانی، پیرامون معرفی وی دروغ‌های عجیبی منتشر شده که برای شناخت وی قابل دقت می‌باشند. در سایت مذکور روابط و مذاکرات وی با مراکز قدرت امریکایی - اروپایی و ترکیه‌ای - آذربایجانی که از اصلی‌ترین مراکز دسیسه و توطئه چینی علیه یکپارچگی کشور ایران و تأمین کنندگان تجزیه طلبان آذربایجان

۱. سایت اینترنتی ویکی‌پدیا، با جست‌وجوی محمود علی چهرگانی.

و سایر مناطق ایران هستند، آشکارا در این مطلب مورد اشاره قرار گرفته و تصاویری از دیدارهای چهرگانی با اعضای آن مراکز درج شده است. بخشی از معرفی چهرگانی چنین است:



چهرگانی دوره کارشناسی رشته زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تبریز به پایان رساند. تحصیلاتش را در دوره فوق لیسانس در رشته زبان شناسی عمومی در دانشگاه تهران مقطع دکترا و مدرسی دانشگاه در دانشگاه تربیت مدرس تهران به پایان برد. عضو هیئت علمی دانشگاه های تهران و تبریز بود. رساله وی «مقایسه مورفیم [هر کلمه ساده ای در زبان مانند: کوه، برای] و فونونیم [صداهای سازنده زبان] لغات ترکی و فارسی» در آکادمی علوم ملی جمهوری آذربایجان تحت مذاکره قرار گرفت و چهرگانی به درجه پروفسوری علمی فیلولوژی- زبان شناسی ارتقا یافت. از سال ۱۹۹۰-۱۹۸۹ وارد فعالیت های ملی- فرهنگی گردید. اولین کلاس های زبان و ادبیات ترکی را وی در سال های ۱۹۹۰ با زحمات بسیار و تحت فشارهای شدید در دانشگاه های تهران و تبریز گشود. ولی این رشته ها پس از اندکی به دستور رژیم بسته شد. در سال ۱۹۹۵ در انتخابات مجلس شورا شرکت نمود و حین تبلیغات انتخاباتی اش برای اولین بار به صورت علنی و عمومی به بیان



ردیف اول فرد نشسته در وسط چهرگانی

حقایق آذربایجان و ملل محروم ایران پرداخت. وی برای اولین بار به صورت گسترده مشکل ملت‌ها را مطرح نمود و خواستار اجرای ماده‌های معوقه قانون اساسی گردید. ماده‌هایی چون اصل پانزده و نوزده که در این اصول بر برابری ملت‌ها و خلق‌های ایران اندکی اشاره گردیده است. وی می‌گفت: «من با چکمه‌های ستارخان به مجلس خواهم رفت.»

وی با بیش از ۶۰۰ هزار رأی، برنده انتخابات از حوزه تبریز گردید، ولی رژیم توسط رادیو تلویزیون و مطبوعات به تبلیغ اخبار دروغ درباره انصراف وی نمود. [پرداخت!] وی در روز انتخابات... دستگیر و راهی زندان گردید... تظاهرات‌های صدهزار نفری در تبریز و شهرهای آذربایجان در دفاع از وی، اعتراضات مجامع بین‌المللی، اعتراضات آذربایجانی‌ها در خارج از کشور، اعتراض کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سازمان عفو بین‌الملل سبب گردید که رژیم به ناچار وی را که در وضعیت بسیار وخیمی بود روانه زندان خانگی کند... پس از آن بارها زندانی گردید و برای دومین بار دچار سکنه مغزی شد. در زندان تبریز ۳۵ روز اعتصاب غذا نمود و وقتی آزاد گردید که خونریزی شدیدی در معده‌اش شروع شده بود. خانواده و فرزندان نیز به شدت تحت تعقیب و فشار رژیم بودند. ولی وی تا آخر گفت: «ئولمک وار دؤنمک یوخ» می‌میرم ولی از راهم برنمی‌گردم! رژیم شئون‌یست ایران مجبور

شد برای معالجه جسمی‌اش به وی اجازه خروج از کشور دهد. وی از اوایل سال ۲۰۰۲ در سفر است.

در ادامه به سفرهای خارجی چهارگانی و ملاقات و گفت‌وگوهایش با مقامات سیاسی خارجی اشاره و آن را از فعالیت‌های بسیار مهم وی محسوب داشته‌اند که نتایج گهرباری داشته است:

سفر تاریخی وی به خارج از کشور همچون مبارزه‌اش در داخل تبدیل به یک حرکت بسیار قدرتمندی گردید. مسئله آذربایجان جنوبی توسط وی به صورت یک مسئله حساس بین‌المللی مطرح گردید. وی با نمایندگان پارلمان اروپا، نمایندگان پارلمان کشورهای اروپایی از جمله آلمان، سوئد، دانمارک، فرانسه و نمایندگان دولت‌های فوق، وزرای خارجه و معاونین وزرای خارجه کشورهای اروپایی، دبیر کل شورای اروپا جناب والتر شووایمر، نمایندگان اتحادیه اروپا، نمایندگان کشورهای آذربایجان و تورکیه، رهبران احزاب حاکم و مخالف این کشورها، نمایندگان رسمی ایالات متحده آمریکا، با بیش از ۵۰ نفر از اعضای کنگره و سنا آمریکا، با معاونین و مشاورین رئیس‌جمهوری آمریکا در کاخ سفید، وزارت امور خارجه، وزارت دفاع آمریکا، سازمان ملل متحد، رؤسای سازمان حقوق بشر و عفو بین‌الملل دیدارهای مثمر ثمری انجام داد و مسئله ملت‌های تحت ستم رژیم ایران را به یک مسئله روز، مهم و حساس مبدل نمود. مسئله‌ای که حتی تشکیلات‌ها و احزاب به ظاهر دموکراسی و آزادیخواه! خارج‌نشین نیز تلاش بسیاری برای سرپوش گذاشتن به این مسئله صرف نموده بودند و می‌نمایند. پروفیسور دکتر محمود علی چهارگانی رهبر حرکت ملی آذربایجان جنوبی و جنبش بیداری ملی آذربایجان جنوبی می‌باشد.^۱

در اینجا باید پرسید اگر واقعاً چهارگانی درصدد کسب حقوق آذربایجانی‌ها بود، چرا مانند دوره‌گردهای هرزه سیاسی عمل کرده و می‌نماید؟! مکان مبارزه در داخل کشور است نه بیرون مرزها و در دامن نرم و پرشوهوت خارجی‌ها! دشمنی بسیاری از مراکز و سازمان‌هایی که چهارگانی مدعی حضور در آنها و گفت‌وگو با اعضا و سرانشان شده با دین اسلام، ایران واحد و تمامیت ارضی آن و نیز با انقلاب اسلامی آشکار و بسیار

۱. (معرفی چهارگانی). www.arshiv.gamoh.info/farsi/doktor_farsi.html



روشن است. از این مراکز و سازمان‌ها چه عاید او شده و می‌شود؟! تازه قبل از همه اینها باید بررسی و بحث نمود که کدام حقوق آذربایجانی‌ها در جمهوری اسلامی مورد غفلت واقع شده و داده نشده که کوتوله‌های شیرین عقلی چون چهرگانی مدافع آن شوند؟! اگر هم مورد یا مواردی برای اعتراض یا

درخواست وجود دارد، آنها را باید در چهارچوب ظرفیت‌های داخلی، قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی و... جست‌نه بیرون از مرزها!

ما آذربایجانی‌ها عجب گیری کرده‌ایم که از سرزمین‌های شمالی (جمهوری آذربایجان)، غربی (ترکیه) و آن طرف آبها (امریکا) برای ما حزب‌تراشی و رهبرسازی می‌شود و بر روی امواج و سایت‌ها نسخه می‌پیچند که راه‌رستگاری شما در پیروی از امثال این احزاب و سران‌شان است!! مغزهای الکلی و پوسیده این ناکسان و نامردان، قدرت فهم این حقیقت را ندارند که مردم فهیم و بصیر آذربایجان شیطان‌های بزرگ‌تر و پرزورتر از این شیرین عقل‌ها (مانند فرقه دمکرات و رهبر آن و نیز تشکیلات حزب خلق مسلمان و رهبر و پشتیبان آن)



را از خود رانده‌اند. آیا غیر از این است که خون پاک و مطهر فرزندان آذربایجان (همچون فرزندان و سلحشوران سایر مناطق و نواحی ایران اسلامی) در جنگ تحمیلی با سلاح‌ها و گازهای اهدایی اروپاییان و آمریکایی‌ها بر زمین ریخت و سال‌ها جراحت و مصدومیت رابه جان خریدند؟

در عوام فریبی و رجز خوانی چهرگانی همین بس که جیغ می کشید: «با چکمه‌های ستارخان به مجلس خواهم رفت!» باید پرسید مگر مجلس شورای اسلامی (و وزارتخانه‌ها و ادارات کشور) میدان جنگ بوده و هست که یکی با چکمه‌های ستارخان (به یقین روح مرحوم ستارخان از چنین دیوانگی‌هایی در عذاب افتاده است!)، دیگری با سلاح سردار اسعد و صمصام السلطنه و سومی با سبیل‌های چخماقی سپهدار تنکابنی و... به مجلس بروند؟

فعال در قاجاق انسان و تجارت فحشا

چهرگانی در مسافرت به ترکیه بازداشت شد. خودشیفتگی وی به اندازه‌ای اوج گرفته که در مصاحبه تلویزیونی با شبکه آذری صدای امریکا (VOAazari) دستگیری‌اش را طرح مشترک رؤسای ایران و روسیه دانست و گفت:

وقتی به ترکیه رفتم، احمدی‌نژاد به اردوغان زنگ زد و خواستار تحویل من شد. پیرو همین امر نیروهای امنیتی ترکیه مرا در حال مصاحبه با یکی از روزنامه‌ها دستگیر کردند و هفده ساعت مورد بازجویی قرار دادند. در نهایت مرا آزاد و از ترکیه اخراج کردند. من از ترکیه به جمهوری آذربایجان رفتم. در آنجا هم بازداشت شدم. این بار علاوه بر احمدی‌نژاد، پوتین و سرگی ایوانف هم به الهام علی‌اف زنگ زده بودند و خواستار بازداشت من شدند.^۱

این در حالی است که اخبار رسانه‌های وقت از دستگیری چهرگانی صورت دیگری دارد. در سال ۱۳۸۲ پلیس ترکیه وی را در ارتباط با شبکه قاجاق انسان و تجارت غیر قانونی فحشا در ترکیه و در یکی از مراکز فساد بازداشت و از ترکیه اخراج کرد. چهرگانی در مدت اقامت در خارج از ایران به بهانه دفاع از حقوق ملت ترک، از ایرانیان و ترک‌زبانان مقیم خارج هزاران دلار پول دریافت کرد ولی به مصارف شخصی رساند.^۲

تصرف ارمنستان تا مسکو!

سخنرانی چهرگانی در نشست داک در اوکراین با جنجال همراه بود. گاف‌های او در این سخنرانی به حدی بود که فیلم آن از یوتیوب (معروف‌ترین وبگاه بارگذاری و تماشای



ویدئو) پس از مدت کمی به وسیله خود تجزیه طلبان حذف شد. از جمله این گاف‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: حمله شدید به ارامنه و تهدید آنها به قتل عام و پیشروی تا مسکو، تهدید کردها به کشتار و پیشروی تا اربیل، فحاشی‌های تند و نژادپرستانه به کردها و ارامنه، فحاشی‌های خارج از

عرف به شخص خود و خودزنی‌هایی که محصول جوگیری‌های معمول شخص چهرگانی است و انتقاد تند از الهام علی‌اف!

بخشی از سخنان چهرگانی در نشست داک در اوکراین چنین بود:

به شما وعده می‌دهم که رژیم ایران تغییر خواهد کرد. من از داخل [امریکایی‌ها] به شما خبر می‌دهم. با پاکستان مشکل دارند و آن را هم تجزیه خواهند کرد. ما هم شانس آوردیم. قرار است یک کشور مستقل بلوچستان متشکل از بلوچ‌های ایران و پاکستان تشکیل شود، بعد از آن نوبت عرب‌ها [خوزستان] است. هفتاد درصد نفت ایران از این منطقه است. کشورهای عربی [اشاره به قطر و عربستان] هم حمایت می‌کنند. من دقیق در جریانش هستم. آنجا [امریکا] خوابیده‌ایم، فعالیت می‌کنیم. خواستم شما هم بدانید. ما هم داریم آزاد می‌شویم. الهام هم باید تکلیفش را مشخص کند. اگر مسئله قراباغ را حل نکند ما خودمان پس از آزادی حلش می‌کنیم. من خودم در تبریز به مردم خواهم گفت بیاید برویم قراباغ را آزاد کنیم. ده میلیون نفر با پای پیاده به مرز ارمنستان می‌رویم. ارمنستان را نابود می‌کنیم، با خاک یکسان خواهیم کرد. حتی یک ارمنی هم زنده نمی‌ماند. تا مسکو می‌رویم... این اجتناب‌ناپذیر است و محقق خواهد شد.^۱

۱. همان.

چهرگانی در نشست اوکراین به دیدار و ارتباط با یک لابی یهودی جهت تجزیه ایران اشاره کرده و گفت:

من در امریکا با یک لابی یهودی ملاقات کردم. من را از طرف جی.آی. اس^۱ دعوت کرده بودند. قدرتمندترین لابی یهودی با من دیدار کرد. من هم سعی کردم از پرنسپ‌های دیپلماتیک استفاده کنم و آنها را برادر خطاب کردم و گفتم «قارداش» [برادر]! خزرهای یهودی^۲ هم ترک بودند...^۳ [البته چهرگانی و یارانش با یهودیان صهیونیست برادر هستند و حساب آنها از آذربایجانی‌های مسلمان کاملاً جداست!]

۱. سیستم اطلاعات جغرافیایی، سامانه اطلاعات مکانی، یا جی‌آی‌اس (به انگلیسی Geographic Information System - GIS) یک سیستم اطلاعاتی (معمولاً کامپیوتری) است که به تولید، پردازش، تحلیل، و مدیریت اطلاعات جغرافیایی (اطلاعات مکانی) می‌پردازد. به عبارت دیگر جی‌آی‌اس یک سیستم کامپیوتری برای مدیریت و تجزیه و تحلیل اطلاعات مکانی بوده که قابلیت جمع‌آوری، ذخیره، تجزیه و تحلیل و نمایش اطلاعات جغرافیایی (مکانی) را دارد. مؤسسه تحقیقات سیستم‌های محیطی در کالیفرنیا از ارایه‌دهندگان اصلی سیستم جی‌آراس در جهان است.

۲. خزران، قومی ترک‌نژاد و ترک‌زبان بودند که در سده‌های هفتم تا دهم میلادی / اول تا چهارم هجری در شمال شرقی دریای سیاه و شمال غربی دریای مازندران حکومتی مستقل و مقتدر داشته‌اند. در منابع کهن اسلامی از شهرهای اتل، بلنجر و سمندر به عنوان تختگاه خزران یاد شده است. طبق منابع عبری در ۱۲۲ق / ۷۴۰م طبقه حاکم خزران به آیین یهود گرویدند و بدین گونه دین یهود، دین رسمی خزرها گردید. خزران دریافته بودند با پذیرش مسیحیت یا اسلام، استقلال خود را از دست خواهند داد، زیرا قبول هر یک از این دو دین، مستلزم پذیرش سلطه امپراتور روم یا خلیفه بغداد بود. حفظ دین اولیه آنها که صورتی از صور ابتدایی حیات دینی (شمنیزم) بود در مقایسه با ادیان توحیدی مسیحیت و اسلام نه تنها فرسوده و مندرس تلقی می‌شد، بلکه سران خزر را از نفوذ معنوی و قانونی محروم می‌ساخت، زیرا مقام خاقانی در میان خزران بیشتر جنبه معنوی و آیینی داشت تا جنبه سیاسی. آیین یهود از شهرت کافی برخوردار بود و به عنوان دینی آسمانی مورد احترام هر دو گروه مسیحی و مسلمان قرار داشت. گروهی از مسلمانان در کشور خزران زندگی می‌کردند. درباره چگونگی رفتار و روابط خزران یهودی با اتباع مسلمان چنان که از اندک روایات منابع موجود برمی‌آید، مسلمانان در این سرزمین از وضع مطلوبی برخوردار بودند. دست کم گزارشی از سختی یا پریشانی امور مسلمانان گزارش نشده است. به نظر می‌رسد مسلمانان و پیروان سایر ادیان در انجام مناسک و آداب دینی خویش از آزادی کامل برخوردار بوده‌اند. منابع اسلامی از وجود تعداد زیادی مسجد در سرزمین خزر یاد کرده‌اند.

در سده اول هجری تاریخ روابط خزران و مسلمانان در دو سوی شمال و جنوب کوه‌های قفقاز، شامل جنگ‌های مکرر و بی‌سرنجامی است که در سده دوم پس از تغییر کیش سران خزر و برقراری برخی روابط دوستانه با خلفای عباسی، از شدت درگیری‌ها کاسته شد اما همچنان تا فروپاشی دولت خزران به دست روس‌ها در قرن چهارم ادامه داشت. با حمله روس‌ها به فرماندهی سوویا توسلاو امیر کیف به سال ۳۵۴ق / ۹۶۵م، خزران قدرت و شوکت پیشین را از دست دادند. ترک‌تباری خزران در میان بسیاری از پژوهشگران فرض مسلم و مورد تأکید فراوان است. نگار ذیلایی، «مسلمانان و خزرها»، تاریخ/اسلام، ۱۳۸۱، ش ۹. به صورت خلاصه این مقاله در اینترنت منتشر شده است از جمله در سایت حوزه:

<http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/6443/8091/106387/> مسلمانان و خزرها

3. www.azariha.org/?lang=fa&muid=53&item=579

طرفداری از تجزیه‌طلبان پیشین

تشکیلات گاموح در سم‌پراکنی‌های خود به قلب آشکار حقایق تاریخی در مورد آذربایجان پرداخته و آشکارا از تجزیه‌طلبان پیشین و مزدوران اجنبی طرفداری می‌کند و می‌خواهد اذهان جوانان را بفریبد، غافل از اینکه هنوز بسیاری از معاصران و شاهدان تجزیه‌طلبان پیشین زنده و از حافظه تاریخی خود بهره‌مند هستند و روزهای خونین و ظلم و جنایت‌های آنان را به یاد دارند و تجربیات گرانقدر خود را در صفحه‌های دل و اوراق، زرنگاری نموده‌اند و به یقین فریب نخورده جوانان خود را نیز پاس خواهند داشت. گاموح در یکی از مقالات خود می‌نویسد:

تا سال ۱۸۱۳ میلادی آذربایجان به صورت کشوری واحد بر ممالک محروسه قاجار حاکم بود. در کشوری که سیستم فدرال سنتی - حاکمیت خانات - بر آن حکم می‌راند مملکتی ولیعهدنشین بود. پس از امضای قراردادهای گلستان و تورکمانچای آذربایجان به دو قسمت تقسیم گردید. ۲۸۰ هزار کیلومتر مربع از اراضی اش همچنان در ترکیب دولت قاجار ماند و ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع از اراضی اش به روسیه تزاری الحاق گردید...

پس از سال ۱۹۲۵ و لغو کشور ممالک محروسه قاجار و تشکیل دولت ایران توسط رضاخان پهلوی، آذربایجان به زور سرنیزه به کشور شاهنشاهی ایران الحاق گردید - نام دولت ایران برای اولین بار در سال ۱۹۳۶ توسط به اصطلاح مجلس ملی رضاخان تصویب شد - آذربایجان جنوبی ۳۰۰-۲۸۰ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد. پس از تشکیل رژیم شونیستی رضاخان در ایران و تدوین قانون اساسی جدید و تصویب آن در مجلس فرمایشی، ملت آذربایجان از کمترین حقوق انسانی و ملی اش محروم گردید. پس از الحاق آذربایجان جنوبی، رژیم به تقسیم اراضی آذربایجان و پیش‌کشی آن به ایالات دیگر پرداخت. آذربایجان جنوبی تدریجاً به استان‌های آذربایجان غربی، شرقی، زنجان و همدان تقسیم گردید. قزوین و ساوه از آذربایجان جدا گردید. نام‌های تورکی شهرها و روستاها حتی اسامی کوه‌ها و رودخانه‌ها به فارسی تغییر یافت و سخن گفتن به زبان تورکی در مدارس و شهرها ممنوع گردید. تحقیر



و استثمار ملت آذربایجان شروع گردید. سیاست آسیمیلاسیون^۱ رژیم شاهنشاهی موجب شد که مردم آذربایجان پس از انقلاب‌های مشروطه و [شیخ محمد] خیابانی [علیه قرارداد استعماری ۱۹۱۹م که ایران را مستعمره انگلیس می‌کرد] به قیام‌های ملی در سال ۱۹۴۵ [حکومت پیشه‌وری] و ۱۹۷۹ [حزب خلق مسلمان] بپردازند. در هر دو مورد آذربایجان موفق به تشکیل حکومت ملی گردید ولی حکومت‌های فوق با کمک نیروهای خارجی توسط رژیم سرنگون گردید...

در سال ۱۹۷۹ نیز آذربایجان به قیام علیه رژیم دست زد و تحت رهبری حزب خلق مسلمان آذربایجان موفق به تشکیل حکومت تقریباً خودمختار گردید [!!؟ این ادعا واقعاً حماقت آشکار و کاملی است] ولی این بار نیز نظامیان جمهوری اسلامی توانستند به زور اسلحه حق تعیین سرنوشت آذربایجان را پایمال نمایند.

شمار جمعیت آذربایجان جنوبی توسط سازمان آمار رژیم تهران تحریف می‌گردد. رژیم، جمعیت ملل غیر فارس را محدودتر و کمتر از رقم واقعی نشان می‌دهد. ولی حقایق تاریخی ثابت می‌کند که در حال حاضر بیش از نیمی از اهالی ایران را تورک‌ها تشکیل می‌دهند. آذربایجانی‌ها ۳۲-۳۰ میلیون نفر می‌باشند. بیشترین جمعیت آذربایجانی در تهران سکنی گزیده است و تقریباً نیمی از جمعیت تهران را تورک‌های آذربایجان تشکیل می‌دهند.

آذربایجان جنوبی عبارت است از: استان همدان، استان زنجان، استان آذربایجان شرقی، استان آذربایجان غربی، استان اردبیل، استان قزوین، ساوه، آستارا و کرج. نقشه‌های جغرافیایی آذربایجان در قسمت «نقشه» نشان داده شده است.^۲

تشکیلات پوسیده گاموح پرچی برای آذربایجان مورد ادعای خود ترسیم نموده که در آن از نماد ماه و ستاره (مانند پرچم جمهوری آذربایجان) استفاده شده است.

۱. آسیمیلاسیون در لغت به معنای متشابه‌سازی است و در علوم انسانی پروسه‌ای است که موجب مستحیل شدن افراد یا گروه‌های قومی متفاوت در فرهنگ حاکم جامعه می‌شود. آسیمیلاسیون در واقع شدیدترین حالت فرهنگ‌پذیری است و ممکن است از طریق اعمال زور یا داوطلبانه انجام گیرد. تغییر هدف‌دار زمانی اتفاق می‌افتد که یک گروه، سلطه بر دیگری را از طریق اشغال نظامی یا کنترل سیاسی برقرار کند.

2. <http://archive.is/K7t0>

همچنین این تشکیلات اقدام به پخش نقشه آذربایجان کرده که کرانه‌های جنوبی آن تا تهران را نیز دربرمی‌گیرد! گام‌وح در توضیح اهداف و آرمان‌های خویش که ضلع اصلی آن تجزیه آذربایجان از ایران و پیوستن به جمهوری آذربایجان است، تحت عنوان «مختصری درباره حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی یا حرکت ملی آذربایجان جنوبی (GAMOH)» چنین می‌نویسد:

در قرنی که گذشت آذربایجان جنوبی شاهد چندین حرکت ملی در جهت احقاق «حق تعیین سرنوشت ملی» خود بود. حرکت انقلابی مشروطیت (۱۹۱۱-۱۹۰۵) به رهبری ستارخان، قیام فرقه دمکرات آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی (۱۹۲۰-۱۹۱۷)، نهضت انقلابی ۲۱ آذر به رهبری سید محمد جعفر پیشه‌وری (۱۹۴۶-۱۹۴۵)، انام کوچک پیشه‌وری، جعفر بود نه محمد جعفر! حرکت ملی مذهبی خلق مسلمان به رهبری آیت‌الله شریعتمداری (۱۹۷۹). شوونیسیم فارس در مقابله با حرکات ملی فوق که انسانی‌ترین و ابتدایی‌ترین خواسته‌های ملت ترک آذربایجان را مطرح می‌نمود، با خشن‌ترین اشکال به مقابله برخواست [برخواست!] هر بار با کشتارهای وحشیانه، تبعیدهای گسترده و زندان و شکنجه صباحی دیگر بر استعمار و استثمار خویش ادامه داد... چنین شرایط دشوار که به ظاهر همه چیز بر وفق شوونیسیم حاکم می‌چرخید در انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی در ایران در اواخر سال ۱۹۹۵ و اوایل ۱۹۹۶ پدیده جدید در عرصه سیاسی ایران به نام حرکت ملی آذربایجان جنوبی به معادلات سیاسی اضافه می‌گردد. حرکت اخیر ملی آذربایجان جنوبی از سال ۱۹۹۱ به صورت تحرکات ملی گرایانه گروهی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی، فرهنگی و از سال ۱۹۹۵ به صورت یک حرکت عمومی تحت عنوان حرکت ملی آذربایجان جنوبی آغاز به فعالیت نمود. شرکت دکتر محمود علی چهرگانی در انتخابات دوره پنجم مجلس (۱۹۹۶-۱۹۹۵) و علی‌رغم حمایت مردم تبریز (۶۰۰ هزار نفر رأی) از کاندیدای واقعی خویش که دردهای تاریخی ملت ترک آذربایجان را به زبان می‌آورد، با ممانعت و تقلب و ضرب و شتم و زندان رژیم شوونیستی حاکم روبه‌رو شد. وقتی نماینده واقعی آذربایجان از امکان بلندگوی مجلس محروم شد به شکل طبیعی این مبارزه، به کوچه



و خیابان‌ها کشانده شد و در مدت زمانی کوتاه حرکت ملی آذربایجان جنوبی به رهبری دکتر محمودعلی چهرگانی در شهرهای مختلف آذربایجان به شکل وسیعی گسترش یافت و بدنه جوان و دانشجویی حرکت ملی، نویدگر آینده روشنی از رشد شعور ملی مردم آذربایجان در آینده نزدیک شد.

حرکت ملی امروز در مرحله بیداری است و GAMOH با توجه به مرحله بیداری تاکتیک‌های خود را در جهت هدف استراتژیک خود یعنی حق تعیین سرنوشت ملی پیش می‌برد، لذا کلمه «اوپانیش» یعنی بیداری را در این مرحله به کار می‌برد.^۱

تشکیل ایرانستان!

در ادامه مقاله ذکر شده با اشاره به اینکه «آذربایجان با معاهده‌های گلستان و ترکمانچای به دو نیمه تقسیم شده و نیمه شمالی وطنمان امروز مستقل است و نیمه جنوبی وطنمان تحت استعمار شوونیست‌ها است»، نویسنده خواستار تقسیم ایران بر اساس اقوام و ملل ساکن شده و می‌نویسد:

حق تعیین سرنوشت ملی از کانال دولت‌مداری در آذربایجان جنوبی می‌گذرد و می‌تواند به شکل مشترک و متساوی‌الحقوق با دول ملل ساکن در ایران پیش رود. دولت تمرکزگرای کنونی در ایران که حافظ منافع ملت فارس در ایران هست، آن گونه که در ۸۰ سال اخیر ثابت شده است، تنها با دیکتاتوری خشن می‌خواهد اکثریت ملل غیر فارس را آسیمیله (ذوب کردن ملی اقوام ساکن در ایران در قوم فارس) کنند. لذا پایه حکومتشان شوونیستی بوده است. جناحین رژیم در اشکال مختلف کثیرالمله بودن ایران را به رسمیت نمی‌شناسند.

از نظر گاموح (GAMOH) تنها با تکیه به قوانین کنوانسیون‌های حقوق بشری و به شرط دموکراسی است که می‌توان بین شش ملت

۱. سایت اینترنتی گاموح: www.arshiv.gamoh.info/farsi/about_farsi.html. مختصری درباره حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی یا حرکت ملی آذربایجان جنوبی (GAMOH)، بازدید مرداد ۱۳۹۱.



ساکن در ایران: ترک، فارس، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن به شکل فدرال^۱ و کنفدرال^۲ و بر مبنای حقوق متساوی به همزیستی دموکراتیک بر مبنای قوانین جهانی دست یافت و در صورت عدم قبول شکل دول مشترک که از طرف نمایندگان سیاسی ملت فارس می تواند زیر سؤال برود و این سیاسیون چه در حاکمیت چه در اپوزیسیون باعث تجزیه ایران گردند، طبیعتاً حق تشکیل دولت مستقل [مانند آذربایجان، کردستان، ترکمنستان، عربستان، بلوچستان و... با تجزیه کامل ایران!] نیز حق طبیعی شناخته شده در کنوانسیون های جهانی حقوق بشر می باشد.^۳

ایدئولوژی، حدود و پرچم ادعایی

گاموح اساس ایدئولوژی خود را بر پایه سه اصل: تورک چولوک، معاصر چیلیک، اؤزگورلوک نهاده و در توضیح آنها می نویسد:

۱. ملی گرایی [ترکی] بر پایه تساوی حقوق با ملل دیگر

۲. نوگرایی و نواندیشی و دموکراسی (معاصر بودن)

۳. آزادی اندیشی و سکولاریسم [جدایی دین از دولت]

گاموح (GAMOH) به برابری حقوقی زن و مرد اعتقاد دارد و دین را امر

خصوصی می داند و طرفدار جدایی دین از سیاست می باشد.^۴

رهبران شیرین عقل تشکیلات گاموح در رؤیاهای مالیخولیایی خویش، مرزهای سیاسی ایران با دیگر کشورها و نیز تقسیمات اداری - سیاسی بین استان ها را نپذیرفته و با تعیین پرچم و رسم نقشه از آذربایجان مورد ادعای خود، تشکیل کشوری مستقل از رود ارس تا تهران را می خواهند! در ادامه مطلب «مختصری درباره حرکت بیداری ملی

۱. فدرالیسم از ریشه لاتین فتودوس foedus یا foederation به معنای اتحاد یا قرارداد با توافق و پیمان، یک مفهوم سیاسی است که در آن گروهی از واحدها (ایالات، استان ها، کشورها و...) با یکدیگر متعهد شده اند و به نمایندگی از آنها یک حکومت مرکزی وجود دارد. اصطلاح فدرالیسم همچنین برای توصیف یک سیستم حکومتی به کار می رود که در آن حق حاکمیت، مطابق قانون اساسی بین یک قدرت حکومت مرکزی و واحدهای سیاسی تشکیل دهنده آن (مانند ایالت ها یا استان ها) تقسیم شده است.

۲. کنفدراسیون به فرانسوی (Confédération) اتحادیه ای مرکب از چند ایالت خودمختار یا کشور است که با حفظ حاکمیت خود برای نیل به اهداف مشترک، امور سیاست خارجی و دفاعی را در یکی از ایالت ها یا کشورها متمرکز می کنند. کنفدراسیون بر خلاف فدراسیون، دارای یک قدرت مرکزی نیست که بر شهروندان همه دولت های متحد فرمانروا باشد.

3. <http://archive.gamoh.is/K7to>

۴. همان.

آذربایجان جنوبی» آمده است:

مرزهای استعمار ساخته و تحمیلی امروز بین ملل ساکن در ایران قابلیت قانونی ندارد. تغییرات جبری سال‌های اخیر، کوچ‌های اجباری و تغییرات آگاهانه سیاسی در جهت مقاصد شونیستی معین بعد از حاکمیت رژیم پهلوی قانونی شمرده نمی‌شود. حدود سیاسی این مرزهای جغرافیایی با توجه به مرزهای قبل از حاکمیت رژیم پهلوی و نیز با توجه به قوانین بین‌المللی در فضایی دموکراتیک بین نمایندگان سیاسی ملل ساکن در ایران قابل حل می‌باشد.

تعریف گاموح از آذربایجان جنوبی: اساساً استان‌های آذربایجان شرقی، غربی، اردبیل با احتساب انزلی و آستارا و شهرستانه و قصبات تورک‌نشینان مثل هشتپر، استان زنجان، استان همدان (بخش تورک‌نشین)، قزوین، ساوه... می‌باشد.



نقشه طراحی شده گاموح برای آذربایجان ادعایی خود

پرچم آذربایجان جنوبی: موجودیت هر ملتی با سمبل‌های سیاسی آن ملت در جهان شناخته می‌شود. در این رابطه از طرف رهبری گاموح پرچم معینی به مثابه سمبل سیاسی حرکت ملی تقدیم ملت ترک آذربایجان در ایران شده است. این پرچم نزدیکی بسیاری با پرچم دولت مستقل آذربایجان شمالی دارد که برای اولین بار در سال ۲۰۰۳ با

Güney Azərbaycan Milli Bayrağı



دستان تنومند حرکت ملی آذربایجان جنوبی در قلعه بابک به اهتزاز درآمد و بعد از آن توسط فعالین حرکت ملی بیداری آذربایجان جنوبی در داخل و خارج از کشور به مثابه سمبل ملی سیاسی-پرچم ملی آذربایجان جنوبی استفاده می‌شود.^۱

در ادامه مطلب با اشاره به دیدارهای چهارگانی با سران احزاب و برخی مقامات سیاسی کشورهای خارجی از جمله امریکا ادعا شده است که:

وجود آذربایجان جنوبی و معضلات آن هرگز تا این حد در مجامع

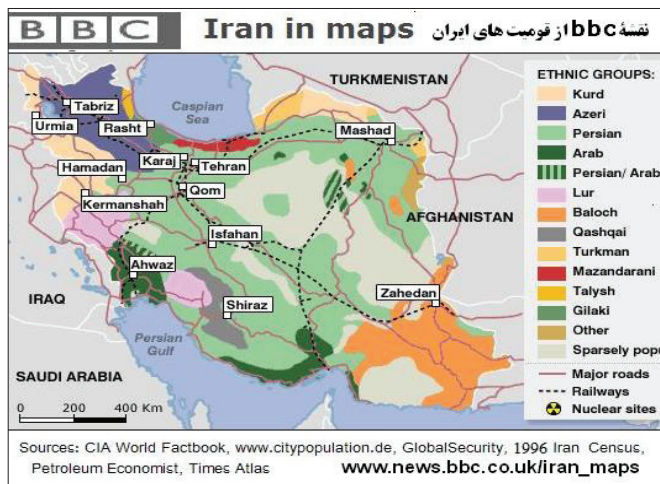
بین‌المللی مطرح نشده بود. برای اولین بار یک رهبر سیاسی آذربایجان جنوبی امکان دیدار با والتر شویمر دبیر کل شورای مرکزی اتحادیه اروپا را یافت و نیز برای اولین بار یک رهبر سیاسی آذربایجان جنوبی با سران عالی‌رتبه امریکا در کاخ سفید ملاقات کرد. در سایه این فعالیت‌های گسترده و فشرده امروز تشکیلات GAMOH از طرف کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده است. از طرف پارلمان شورای اروپا طبق سند شماره ۹۷۱۰ در سایت اینترنتی این پارلمان از حقوق ملی ۳۰ میلیون آذربایجانی در ایران دفاع شده است. این سند از طرف کشورهای بلژیک، مجارستان، اسپانیا، لهستان، لیتوانی، ترکیه، اوکراین و دیگر کشورهای عضو امضاء شده است.

بالاخره در گردهمایی احزاب دمکرات ملی دنیا در استرالیا بیانیه و خواسته‌های حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی (گاموح) در بین احزاب فوق منتشر شد. احزاب شرکت‌کننده در مجمع فوق دقت به خصوصی به این بیانیه نشان داده و سند مزبور را از طرف منشی اجلاس به دفاتر مرکزی احزاب عضو ارسال کرده تا احزاب مزبور در پارلمان‌های

پرچم طراحی شده برای آذربایجان جنوبی! توسط گاموح- مثلث بالا به رنگ آبی، مثلث پایین به رنگ سبز و زمینه ماه و ستاره به رنگ قرمز

ممالک خویش وضعیت حرکت ملی در آذربایجان جنوبی و وضع حقوق بشر را به طور جدی تری دنبال کنند.^۱

نقشه طراحی شده ادعایی گاموح از آذربایجان در هماهنگی کامل با اهداف استعمار پیر یعنی انگلستان برای ایجاد جنگ قومی و تجزیه طلبی در ایران قرار دارد. چنان که بی بی سی در نقشه های طراحی شده خود، منطقه آذربایجان تا تهران را منطقه آذری معرفی کرده و این ادعا مورد استفاده گاموح و دیگر تجزیه طلبان آذربایجان قرار گرفته است. یکی از نقشه های بی بی سی را در اینجا ملاحظه می کنید:



تشکیلات خارج از کشور

گاموح پیرامون تشکیلات خود در خارج از کشور و «رادیو صدای آذربایجان جنوبی» که فرستنده آن در باکو مستقر بوده و با کمک های رژیم اسلام سستیز الهام علی اوف فعالیت می کرد، نوشته است:

تشکیلات خارج از کشور (GAMOH): نزدیک یک سال پیش به ابتکار دکتر محمود چهارگانی شعبات (GAMOH) در خارج از کشور تشکیل شد و امروز ۲۴ شعبه در شهرهای مختلف توسط آذربایجانیان مقیم خارج به وجود آمده است. مسافرت خارج از کشور دکتر محمود علی

چهرگانی این امکان را به فعالین آذربایجان در خارج از کشور داد تا بیشتر در حول و حوش تحولات ملی سیاسی در آذربایجان جنوبی قرار گیرند.

رادیو صدای آذربایجان جنوبی GASR: تأسیس رادیو صدای آذربایجان جنوبی (گونی آذربایجان سسی رادیوسو) در ژانویه ۲۰۰۳ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ۵۷ سال بعد از بسته شدن صدای مستقل آذربایجان در تبریز در زمان حاکمیت فرقه دمکراتیک آذربایجان، گاموح در خارج موفق شد برای اولین بار رادیوی مستقل و ملی آذربایجان جنوبی را به داخل پخش کند. این رادیو به غیر از آذربایجان جنوبی و شمالی در نقاط مختلف ایران از جمله ترکمنستان ایران و مناطقی از ترکیه نیز در طول موج ۳۱ متر هر روز بین ساعت ۲۰ تا ۲۰/۳۰ دقیقه به وقت تبریز شنیده شد. در خارج از کشور نیز هر روز از سایت www.cehreganli.com تا اول ژانویه ۲۰۰۴ پخش گردید...

ماز نیروهای دمکراتیک و از تشکل‌های مدافع حقوق بشر و از کشورهای دمکراتیک جهانی انتظار داریم که در مبارزه برای احقاق حق تعیین سرنوشت ملی آذربایجان جنوبی در کنار حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی (GAMOH) به رهبری دکتر محمودعلی چهرگانی باشند.^۱

جدایی آذربایجان با حق تعیین سرنوشت!

گاموح در مرامنامه منتشر شده‌اش خواستار «حق تعیین سرنوشت» شده و در توضیح آن جدایی از ایران و تشکیل کشوری مستقل را چنین ارایه داده است:

حرکت بیداری ملی آذربایجان جنوبی بر اساس قطعنامه‌های Des/۱۶/۱۹۶۶، Des/۱۵/۱۹۴۸ و کنوانسیون حقوق بشر و حقوق بین‌الملل، در جهت «حق تعیین سرنوشت» ملت آذربایجان جنوبی مبارزه می‌کند و این مبارزه را بر اساس سه اندیشه «ترک‌گرایی، عصری بودن، آزادی عقیده و بیان» سامان می‌دهد و با به دست آوردن حمایت ملت آذربایجان، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و همچنین آذربایجان‌های مهاجر در کشورهای دیگر روز به روز شکوفاتر شده و

۱. همان.

قدرتمند می‌گردد.

در قطعنامه ۱۹۵۰/۲۴/Des شماره ۴۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها به عنوان یکی از مبانی اساسی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. همچنین بر اساس اصل «حق تعیین سرنوشت» کسب استقلال ملل در قطعنامه ۱۹۶۰ حقوق بین‌الملل و دیگر اسناد مورد تأکید قرار گرفته است... وجه نخست اصل «حق تعیین سرنوشت» شامل موارد زیر است:

الف. جدایی و تشکیل دولت مستقل.

ب. جدایی به قصد اتحاد با یک کشور دیگر [یعنی اتحاد با جمهوری آذربایجان!]

ج. تشکیل دولت خودمختار در چهارچوب فدراسیون با ملت‌های دیگر. وجه دوم اصل «حق تعیین سرنوشت» شامل موارد زیر است:

الف. تعیین تشکیلات اجتماعی و دولتی مناسب

ب. حاکمیت بر ثروت‌های طبیعی و ملی

ج. لحاظ مسائلی مانند دین، فرهنگ و سایر مسائل حوزه شخصی.

در صورت ایجاد شرایط ناامنی، سازمان ملل بر اساس تصمیم شورای امنیت موظف به حمایت از ملتی است که خواهان تعیین سرنوشت خود می‌باشد.^۱

روشنگری درباره ادعاهای بی‌اساس گاموح

سران تشکیلات گاموح به قدری دروغ می‌بافند و شبهه می‌پاشند که پاسخ به آنها در یک مقاله میسر نیست. با این حال طی بررسی برخی از مهم‌ترین آنها به یقین می‌رسیم که نویسندگان گاموح، هم بی‌سوادند و هم صاحب مرض و غرض و البته مزدور! تاریخ واقعی بسیاری از ادعاهای آنان در مورد آذربایجان را رد می‌کند:

۱. در طول تاریخ ایران هیچ‌گاه آذربایجان مستقل در قالب کشوری جدا از ایران وجود نداشت. آذربایجان همواره یکی از بنیان‌های اصلی کشور ایران و در برخی مواقع حافظ کل ایران بوده است.^۲

۱. همان، توضیح مرانامه گاموح.

۲. در این مورد رک: اصغر حیدری، طوفان در آذربایجان، تبریز، احرار، ۱۳۸۱.



نخستین دیدار آیت‌الله ملکوتی و حیدر علی‌اف در اواسط دهه ۱۳۷۰ و پس از فروپاشی شوروی در تبریز
 آیت‌الله ملکوتی امام جمعه وقت تبریز در دیدار با حیدر علی‌اف که به تازگی به مسند ریاست جمهوری رسیده بود، به وی گفت: مراقب باشید اکنون که از دام استکبار (شوروی) خلاص شده‌اید در دام استکبار دیگر (امریکا) گرفتار نشوید

۲. در دوره قاجار گر چه تبریز ولیعهدنشین و آذربایجان توسط ولیعهد اداره می‌شد، اما هم آذربایجان و هم دیگر ایالت‌های ایران تحت حکومت شاه قاجار ساکن پایتخت قرار داشت.

۳. ادعای اینکه آذربایجان تا تهران و همدان را شامل می‌شد، فاقد شواهد و دلایل متقن تاریخی و جغرافیایی است.

۴. اگر قرار است که اعضای جدا شده به پیکر برگردند و با آن یکی شوند، آیا جمهوری آذربایجان و دیگر جمهوری‌های قفقاز باید به کدام سرزمین ملحق شوند؟! آیا حق تعیین سرنوشت و به دنبال آن حق الحاق به دیگر کشورها فقط برای جدایی آذربایجان از ایران کاربرد دارد یا اینکه اقوام غیر آذری در جمهوری آذربایجان و غیر ارمنی در جمهوری ارمنستان و غیر گرجی در جمهوری گرجستان نیز باید از این حق برخوردار باشند؟ از طرف دیگر با این همه سم‌پراکنی، تبلیغات، حزب‌تراشی، استفاده از دلارهای کثیف امریکایی و... چرا هنوز مردم آذربایجان ایران به ندای شوم جغدهای تجزیه‌طلب گوش نمی‌کنند؟! مگر آزموده را چند بار آزمودن خطاست؟

۵. به هیچ وجه حکومت فرقه دمکرات پیشه‌وری برخاسته از متن مردم آذربایجان و

برآمده از نیاز و ضرورت تاریخی نبود، بلکه تشکیلاتی تحمیلی از سوی استالین محسوب می‌شد.^۱ به قدری دلایل و اسناد در این زمینه موجود است و در کتاب‌های تاریخی ذکر شده که لزومی به تکرار نیست. فقط این نکته اصلی ذکر می‌شود که با نقش اساسی ایران در پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، حداقل حقوق مردم ایران، ایجاد حکومت جمهوری و به رسمیت شناختن آن توسط فاتحان جنگ بود نه اینکه از زیر ظلم و ستم رضاخان قزاق رها شوند و با دسیسه انگلستان به زیر ستم پهلوی دوم بروند و مجنون‌هایی چون پیشه‌وری در آذربایجان سر برآورند!

۶. تشکیلات حزب خلق مسلمان^۲ در اولین سال پیروزی انقلاب نیز نه حرکتی مردمی بود، نه قیامی شرعی! بلکه هوس‌های ریاست‌طلبی آیت‌الله شریعتمداری^۳ که به مقام

۱. در این مورد نوشته‌ها و گفتارهای فراوانی وجود دارد. از جمله رک: توضیحات نگارنده در مستند تلویزیونی «فرقه استالین» پخش شده از شبکه ۴ سیما مورخ ۲۴ دی ۱۳۹۳ ساعت ۳۰:۲۰. این مستند از اینترنت قابل دریافت است. همچنین زوایای گوناگون فرقه دمکرات آذربایجان را در کتاب: تشکیل، فعالیت و فروپاشی فرقه دمکرات آذربایجان نگاشته‌ام که توسط مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر در نمایشگاه کتاب تهران (اردیبهشت ۹۶) ارائه خواهد گردید. زوایای دیگری از فعالیت و جنایات فرقه دمکرات در شهرستان سراب استان آذربایجان شرقی در کتاب فرقه دمکرات در سراب که کار مشترک نگارنده و آقای رحیم نیکبخت است و توسط کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر گشته، ارائه شده است.

۲. برای توضیح درباره حزب خلق مسلمان و فعالیت‌هایش در آذربایجان رک: اصغر حیدری، حزب خلق مسلمان از ظهور تا سقوط، تهران، کیهان، ج ۱، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۳۸۸.

۳. مهدی مجتهدی در معرفی آیت‌الله شریعتمداری می‌نویسد: «سید محمد کاظم شریعتمداری متولد ۱۵ دی ۱۲۸۴ تبریز. جدوی آقا سید محمد در سال ۱۲۷۰ قمری از بروجرد به تبریز مهاجرت و ازدواج کرد و سید حسن پدر سید کاظم حاصل این ازدواج بود. آقا سید حسن از علمای فاضل عصر خویش بود که در سال ۱۳۳۲ شمسی در تبریز وفات کرد. سید کاظم تحصیلاتش را در علوم دینی در تبریز آغاز کرد. پس از اتمام دروس سطح، دو سال در درس خارج میرزا صادق تبریزی و میرزا ابوالحسن انگجی که از علمای معروف تبریز بودند، شرکت نمود و در سال ۱۳۰۳ شمسی برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم رفت و دوره خارج فقه و اصول را در نزد آیت‌الله عبدالکریم حائری یزدی آموخت. بعد از مدتی به نجف اشرف مشرف شد و از محضر آیات نائینی، آقا ضیاء عراقی و آقا سید ابوالحسن اصفهانی کسب معلومات نمود و سپس به تبریز بازگشت و به تدریس و تبلیغ امور شرعی پرداخت. در بین علمای تبریز مقام بلندی دارد و نماز جماعتش پرشکوه و پررونق است.» مهدی مجتهدی، رجال آذربایجان در عصر مشروطیت، ص ۱۷۲ و همچنین: محمد شریف رازی، گنجینه دانشمندان، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۴. پس از آزادی آذربایجان از سیطره فرقه دمکرات و سفر شاه به آنجا در سال ۱۳۲۶ ارتباط وی با رژیم پهلوی آغاز و با انتقال او به تهران و قم تحکیم یافت. بر طبق اسناد ساواک، رژیم پهلوی در تحکیم مرجعیت وی و گسترش آن بسیار کوشید و مبالغ هنگفتی خرج نمود. با آغاز انقلاب اسلامی توسط مرحوم امام خمینی، ابتدا با آن همراه گردید اما از خرداد ۱۳۴۲ در هماهنگی با رژیم پهلوی در مقابل انقلاب اسلامی ایستاد. شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، با اختیارات ولی فقیه در اصل ۱۱۰ قانون اساسی مخالفت کرد و در سال ۱۳۵۸ با ایجاد و حمایت از حزب خلق مسلمان اوضاع آذربایجان را ناامن نمود. پس از شکست فتنه این حزب، وی به همکاری با صادق قطب‌زاده برای کودتای علیه انقلاب و بمب‌گذاری در خانه امام خمینی پرداخت و تمام آبرو و اعتبار خود را بر باد داد. در هشتم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۱ توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم از مرجعیت عزل شد. عاقبت در غروب پنج‌شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۶۵ در بیمارستان مهراد تهران بر اثر سرطان و نارسایی کلیه در گذشت و در گورستان ابو حسیمن قم دفن گردید. برای مطالعه بیشتر پیرامون فعالیت‌های او از ۱۳۲۴ تا ۱۳۵۷ رک: اصغر حیدری، آیت‌الله شریعتمداری به روایت اسناد، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸. برای مطالعه نقش وی در ایجاد حزب خلق مسلمان و فتنه‌گری‌های این حزب رک: اصغر حیدری، حزب خلق مسلمان از ظهور تا سقوط، همان.

ولایت فقیه چشم دوخته بود (دو ولایت فقیه در یک مملکت یا ولایت فقیه‌هایی به عدد استان‌ها!!!) با کمک‌های مالی سرمایه‌داران ضد انقلاب و سفارت امریکا در تهران و آرزوی خام پسرش حسن شریعتمداری در رسیدن به ریاست جمهوری کشور و حداقل ایجاد حکومت خودمختار (و بیشتر از خودمختار!) در آذربایجان و... آذربایجان و به ویژه تبریز را برای چند ماه دچار اغتشاش نمود. از سوی دیگر بر خلاف نوشته شیرین عقل‌های گاموح، حزب خلق نامسلمان نه تنها موفق به ایجاد حکومت و حتی نیمچه حاکمیتی در آذربایجان و تبریز نشد، بلکه نتوانست بر تمامی شهر تبریز مسلط شود و نقاط اشغالی مانند رادیو و تلویزیون را بیشتر از چند روز نگاه دارد! در اینجا به ارایه چند مورد از اسناد مربوط به آیت‌الله شریعتمداری و حزب خلق مسلمان بسنده می‌شود. امید است در آینده اسناد بیشتری را در کتاب «حزب خلق مسلمان به روایت اسناد» ارایه نماییم.



خیلی محرمانه

طرحه پندار حفاظتی
وزارتش امور

درجه فوریت

۱۳۲۹
۷ - تاریخ وقوع
۸ - تاریخ رسیدن خبر
۹ - تاریخ رسیدن خبر
۱۰ - تاریخ رسیدن خبر
۱۱ - تاریخ رسیدن خبر
۱۲ - ملاحظات حفاظتی

محله یکم
شماره ۲۱۶
۱ - از
۲ - از
۳ - شماره گزارش
۴ - تاریخ گزارش
۵ - پیوست
۶ - گیرندگان خبر

موضوع آیت الله شریعتداری

از روز دوشنبه ۸/۷/۴۸ آیت الله شریعتداری در تدریس درس خارج خود به طلاب علوم دینی در مسجد اعظم از محبت ولایت شروع کرده است لذا در مشاهده ساعت ۸ بامداد امروز سه شبه سخن را چنین آغاز کرده است آیا در اسلام ولایت توهم با حکومت است ؟ یا حکومت موضوعی است سوا . و بقول امروزها آریاسست از دیانت جدا است ؟ آیا پیغمبر اسلام در ضمن رسالت و دعوت حکومت و سلطنتی هم داشت ؟ و بطور کلی آریاسست از دیانت اسلامی سلطنت با اولیا دین است یا نه ؟ در پاسخ همه این سئوالات بایست گفت بلی . یعنی دین از سیاست جدا نیست و در مسائل اسلامی حکومت حق پیشوایان دین است منتها روی چه محذوری نتوانستند تاکنون به این موضوع جاهه عمل بیوشانند بحثی است جداگانه . روی گفتار قبلی میبینیم قسمت اعظم فقه اسلامی را احکامی از قبیل دیات . قصاص . بیع . تجارت . ازدواج . طلاق و . . . تشکیل میدهند . حالا پیغمبر اسلام توانست در زمان خود رسالت را با حکومت و سلطنت وفق دهد ولی بعد از ایشان جانشینان وی روی حسابهای دیگری نتوانستند بر مسند حکومت تکیه زنند بطوریکه امروز ما هم نمیتوانیم چنین کاری را انجام دهیم ولی این دلیل بر این نیست که این حق بر ما مسلم نیست .

نایره منبع ————— بعقیده من شریعتداری در این گفتار شریعتی نداشته .

نایره رهبر عطیات ————— مفاد گزارش صحیح است . (درم)

نایره امنیت داخلی ————— مفاد گزارش صحیح است . (درم)

وزارتش امور
در تاریخ ۸/۷/۴۸
در روز دوشنبه ۸/۷/۴۸

محله یکم
شماره ۲۱۶
۱ - از
۲ - از
۳ - شماره گزارش
۴ - تاریخ گزارش
۵ - پیوست
۶ - گیرندگان خبر

۵۵۱۵۱
۳۶-۱۳۰

اعتقاد آیت الله شریعتمداری به حق تشکیل حکومت توسط روحانیون (ولایت فقیه) در سال ۱۳۴۸ و مخالفت با ولایت فقیه در سال ۱۳۵۸! دوگانگی حرف با عمل آن هم از سوی مرجع تقلید مؤسس و حامی حزب خلق مسلمان!

شهادت شعار ماست

درست یکسال پیش در اوج مبارزات ملت نستوه ایران، که جوانان مبارز ما با شعار «شهادت شعار ماست، سرکدرو راه حق افتخار ماست» عاشقانه با نقد جان بر پیکر نیمه جان اسلام روح می دمیدند و با خون سرخ خود چهره انقلاب مقدس اسلامی را آب و رنگ میدادند، عمال امپریالیسم بدست جنایت دژ خیما از خدا بی خبر طاغوت و وزیر چکمه‌های خونین سرسپردگان رژیم منفور حرمت حریم مراجع عظیم‌الشان ما در طول تاریخ طولانی مرجعیت شیعیه برای اول بار شکسته شد و بایورش و حشمانه به منزل رهبر عالیقدر انقلاب حضرت آیه... العظمی شریعتمداری فاجعه‌ای بوجود آمد که این بار تاریخ بسوخت آن را تکرار نمود و در بیت دانش و فضیلت و ماوای فضلا و دانشمندان در این دوره از زمان نیز که نهال انقلاب مقدس ما به ثمر میرسد سرطان ریشه‌های فاسد رژیم میسوزد با کمال تأسف و شهیدانی جوان با هزاران آرمان و آرزو در پیشگاه نایب امام العصر وال زمان بخون می غلطد و برای بار دیگر ساحت مقدس منزل ز عیم آگاه ما را رنگین می کند. ما آذر بایجانیه‌ای مقیم قم ضمن عرض تبریک و تسلیت به محضر مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء و نایب بزرگوارش بدینوسیله آمادگی خود را برای جان بازی و فداکاری در راه تحقق هدفهای انقلاب مقدس اسلامی که یکی از کمالات آن حاکمیت مردم مبارز ایران بر سر نوشت خویش است برای همیشه پاسر بلندی اعلام داشته و افتخار و آرزو داریم جان ناچیز خود را در راه اجرای منویات خدا پسندانه رهبر آگاه و دور اندیش خود حضرت آیه... العظمی شریعتمداری مد ظله العالی تقدیم کنیم



آذر بایجانیه‌ای مقیم قم

حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمانان ایران

اعلام خشم حزب خلق مسلمان از حادثه مشکوک کشته شدن محافظ بیت آیت الله شریعتمداری با عنوان: رهبر عالیقدر انقلاب حضرت آیت الله العظمی شریعتمداری! در نظر حزب مذکور رهبر ولایت فقیه در کشور فقط آیت الله شریعتمداری بود!!



بسم الله الرحمن الرحيم
 ۵۸۳
 مخبر بیک حضرت آیت الله العظمی قاضی حجت سید کاظم مرتضی اری مدنی
 بطریق در خارج کعبه میسرود و در فواید شریعت گردنهای از منحنس از بسم الله العظمی از جراید
 که با بسم الله جمهوری بسم الله معارف دارند و با آن مخالفت میکنند بجهت علماء عده میکنند
 نمی باشد در وصیت ما نود بقدر کند بدین باب که در حق حق حرکت بری است بعضی است
 نظر خردمان را بجهت بسم الله قرائت تا اگر بهما رفع شود جسمی از بار کمالی بدن
 بسم الله
 استانبول (محرر از این جویان ۱۸۸۸)
 التبرکات کسر منافع اسلام و دینا و جمهوری
 اسلام و بسم الله ملک مطرود و
 ۱۳۹۹

بسمه تعالی
 اینجانب اطلاعی از این جویان ندارم البته
 هر کس مخالف اسلام و یا جمهوری اسلامی
 باشد محکوم و مطرود است.
 سید کاظم شریعتمداری

نظر آیت الله شریعتمداری درباره مطرود و محکوم بودن مخالفان جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸. اما قول و عمل او در تناقض شدید با هم بود و ماهها از فتنه حزب خلق مسلمان پشتیبانی کرد و مسئولیت جنایت‌های آن را بر عهده گرفت تا چه پاسخی در محضر الهی داشته باشد!

به یقین مجنون‌هایی چون نویسندگان گاموح که در سال ۱۳۵۸ وجود نداشتند (متولد نشده بودند) یا هنوز شیر مادر می‌خوردند و مادرانشان آنها را تظہیر می‌کردند! باید از کسانی که در سال ۱۳۵۸ در آذربایجان و تبریز ساکن بودند (تعداد فراوانی هنوز در قید حیات‌اند) قضایا و حدود فعالیت و موفقیت «حزب خلق نامسلمان» را می‌پرسیدند تا با پرت و پلاگویی مضحکه دیگران نشوند!

از اهداف پلید «حزب خلق نامسلمان» سوق کشور به جنگ داخلی بود. آقای مهدی دمشقی مسئول وقت عملیات کمیته مرکزی تبریز در خاطرات منتشرنشده‌اش می‌گوید:

پس از اشغال پایگاه هوایی توسط حزب خلق مسلمان، عوامل نفوذی ما در حزب اطلاع دادند: «حزب در صدد جذب یا دستگیری خلبانان است تا بتواند هواپیماهای جنگی پایگاه را به پرواز درآورده برای اهداف خاص خود استفاده کند.» البته در این صورت فتنه حزب ابعاد بسیار خطرناک‌تر و با تلفات سنگین‌تری می‌یافت. گویا در تهران تصمیم گرفته شده بود در صورتی که حزب توان استفاده از امکانات نظامی پایگاه به ویژه هواپیماهای جنگی را به دست آورد، جهت جلوگیری از شعله‌ور شدن جنگ داخلی، مجموعه پایگاه بمباران شده و هواپیماهای جنگی از بین بروند. البته خدا رحم کرد و کار به آنجا نکشید.^۱

۱. خاطرات آقای مهدی دمشقی توسط نگارنده ثبت و نگارش یافته و در بهمن ۱۳۹۴ به صورت کتاب آماده چاپ در اختیارشان قرار داده شده است.

از کمیہ مرکزی حلیم آباد

بہ فرماؤ اہل محرم کتب راہ از مری تبریز

موضوع: خوشرفتار شدن اهل کتاب و ۳۰

موضوع: خبری که در این مکتب در ۱۳۰۲
 با توجه به این که در این مکتب در ۱۳۰۲
 از این مکتب در ۱۳۰۲
 و این که در ۱۳۰۲
 مکتب در ۱۳۰۲
 و این که در ۱۳۰۲
 مکتب در ۱۳۰۲
 و این که در ۱۳۰۲
 مکتب در ۱۳۰۲

کیتھن اقلیتی اسٹوڈنٹس کی کمیٹی
حکیم آباد

199
1351/1/18





شماره (۹۱۶)

اخبار روزانه

صفحه ۴

خبرها و نظرها ۱۴/۶/۱۳۶۷ ص ۴-۳

گشای انبار اسلحه در زیرزمین حسینیه شریعتمداری

(م) بگزارش اداره کل اطلاعات قم در مورخه ۶۷/۵/۲۶ در حین گشودن زیرزمین حسینیه منزل شریعتمداری که در اختیار دفتر تبلیغات می باشد در عمق یکمتری زمین انباری از سلاحهای مختلف گشای گردید. در پی گشای انبار فوق عباسی (داماد شریعتمداری) و شاکری (یکی از گردانندگان بیت شریعتمداری) دستگیر میشوند. آقای عباسی در ضمن بازجویی اعتراف میکند که از مخفی نمودن سلاحها مطلع بوده و اینکار بدستور آقای شریعتمداری صورت گرفته است و ایشان حتی در مقابل این پیشنهاد که سلاحها تحویل سپاه گردد اظهار داشت که چون وضع ما با سپاه خوب نیست و مردم گاهی علیه ما تظاهرات میکنند لذا خوف دارم که اگر الان اینکار را بکنیم بیشتر علیه ما رسوای راه بیندازند.

در پیگیریهای بعدی، مسئول حفاظت وقت بیت که از اعضای حزب منحل بوده احضار و نامبرده محل اختفای پست قبضه سلاح و مهمات دیگری را مشخص نمود که گشای گردید.

ارزیابی خبر - صحت دارد.

(م) ملاحظه - با توجه به ارتباط شریعتمداری و بیت ایشان با کودتای قلمب زاده و آشوبهای ایجاد شده توسط حزب خلق مسلمان و درگیریهای آذربایجان، مخفی نمودن سلاحهای فوق و در جریان امر قرار دادن مسئولین ذریع پس از فروت شریعتمداری حاکی از تدویم انگیزه های نامبردگان و اطرافیان و "خلق مسلمان" در مخالفت با نظام و شرکت در توطئه های احتمالی علیه نظام جمهوری اسلامی می تواند باشد.

خیلی محرمانه



تظاهرات حزب خلق مسلمان و اعضای مسلح آن در تبریز ۱۳۵۸



اعضای مسلح حزب خلق مسلمان در زیر تصویر غضبناک رهبرشان!



اعضای حزب خلق مسلمان عکس‌های حضرت امام را پاره می‌کنند!



اعضای مسلح حزب خلق مسلمان در خدمت رهبرشان!

[illegible]

Handwritten signatures and stamps on a document, including a circular stamp with the text "مجلس شورى" (Majlis Shura) and a rectangular stamp with the text "مجلس شورى" (Majlis Shura).

نامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم درباره خلع شریعتمداری از مرجعیت

طرح اطلاعاتی: ۱۲ صفحه

جمهوری اسلامی

شماره ۱ از زمستان ۱۳۹۵
www.azadshahr.com

مدرسین و مجتهدین قم عدم صلاحیت سید کاظم شریعتمداری را برآی مرجعیت اعلام کردند

گروهبانی از مردم شهرهای تبریز، عصب شیر و شیراز علیه سید کاظم شریعتمداری تظاهرات کردند

به استناد که برخی کشاکش‌ها و اقدامات مردم در تبریز و شیراز و شهرهای دیگر، موجب شده است تا سید کاظم شریعتمداری را از مرجعیت اعلام کنند. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که سید کاظم شریعتمداری در قم به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شود. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که سید کاظم شریعتمداری در قم به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شود.

عراق از تنگه چراهه و جنوب رود نیسان عقب نشینی کرد

لشکر مسلمانان مبارز عراقی

لشکر مسلمانان مبارز عراقی در منطقه چراهه و جنوب رود نیسان عقب نشینی کرد. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که سید کاظم شریعتمداری در قم به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شود.

بلاشگاه الدور و بعد از منجر شد

بلاشگاه الدور و بعد از منجر شد. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که سید کاظم شریعتمداری در قم به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شود.

۱۰۰۰ هزار چراهه

۱۰۰۰ هزار چراهه. این اقدامات در حالی صورت می‌گیرد که سید کاظم شریعتمداری در قم به عنوان مرجع تقلید شناخته می‌شود.

تا انقلاب مهدی (عج) نهضت ادامه دارد...

واقعیت این است که خود مردم تبریز و آذربایجان به مقابله با چماق به دستان و قداره‌بندهای «حزب خلق نامسلمان» پرداخته و طومارشان را در هم پیچیدند. راستی اگر حکومت پیشه‌وری (همچون تشکیلات «حزب خلق نامسلمان») برآمده از خواست تاریخی مردم آذربایجان بود، چرا مردم از آن دفاع نکردند، خودشان به مخالفت با آن حکومت پوشالی برخاستند و پیش از ورود نیروهای تهران به نبرد با آنان پرداختند؟! این تناقض چگونه باید حل شود؟ به این تلگراف بسیار مهم قوام السلطنه به مظفر فیروز سفیر وقت ایران در مسکو که خبر از قیام مردم تبریز علیه فرقه دمکرات در ۲۱ آذر ۱۳۲۵ می‌دهد دقت فرمایید:

(2A.)

نفاذ کتب در دیوان

تلگراف قوام به مظفر فیروز در مورد درگیری نظامی در قافلانکوه، آزادی میانه و دستور پیشروی نیروها به تبریز، قیام مردم تبریز علیه فرقه دمکرات و چپاول اموال توسط سران فرقه و فرار آنها (ص ۱)

[illegible]



تصویر استالین و لنین بالای سر هیئت دولت فرقه دمکرات!
پیشه‌وری در وسط نشسته است.

تقسیم و تشکیل استان‌ها بر اساس تعداد نفوس و رفع مشکلات اداری و امکان رسیدگی بیشتر و بهتر بر طبق قوانین خاص خود در جمهوری اسلامی صورت گرفته است نه برای تضعیف قوم ترک (آذری) یا کرد یا... اگر چنین منطقی بود، چرا مناطق فارس‌نشین به استان‌های متعدد تقسیم شده است؟! آیا می‌خواستند آنها را هم ضعیف نمایند؟ از سوی دیگر تقسیم‌بندی به استان‌ها و حتی بخش‌ها مانعی در تلاش برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های ملی و حتی قومی نیستند. مگر نه این است که تفکر و اندیشه محصور در مرزهای جغرافیایی نیست؟ نمونه عالی این امر فراگیری انقلاب اسلامی در چهار گوشه ایران و پذیرش رهبری حضرت امام (ره) از سوی تمام قومیت‌ها و مردم بخش‌های متعدد کشور بود. آیا از این حقایق غافل‌اند؟

داده‌های آماری درباره تعداد ترک‌زبانان (آذری‌های) ایران

بر خلاف ادعای داکیان و گاموخیان! برآوردهای آماری به وضوح نشان می‌دهند که اکثریت مردم ایران را ایرانیان ترک‌زبان تشکیل نمی‌دهند، بلکه اکثریت عددی از آن ایرانیان پارسی‌گوی است. بنابر گزارش کتابخانه سازمان سیا، درصد گروه‌های قومی در

تاریخ ۱۳۱۱/۳/۲۶
شماره ۴۹۹۱
دب



وزارت مالیه

اداره استخدا م

دایره

انای مهرا ابراهیم خان کاردار کتبل مالیه آذربایجان

بر طبق مرتبه نامه (۲۷۱۳) مورخه ۲۶/۳/۱۳۱۱ وزارت جلیله داخله ایالت آذربایجان بدو
قسمت ختم گردیده و لایات رشائیه و غوغ و ماکو و ساویدلان و شاهویر و انداپ که مرکز آن
شهر رشائیه است بایالت غریبی موسوم ببقعه و لایات آندبا که مرکز آن شهر تهریز است ایالت شرقی
نایمده میشوند و چون هر یک از این دو ایالت مستقل خواهد بود طبعاً حباله کفالت مالیه
ایالت شرقی بر عهده شما برای مالیه ایالت غریبی هم در نظر است که مأمور دایه رتبه افزای شود و
دایه حباله بدو مرتبه کفالت آن بمقدار انای مرتضی خان فرساد اچون مالیه رشائیه و گذار
میشود و لازم است دفاتر و اوراق مربوطه بمالیه ایالت غریبی را بر طبق صورتجلسه مشارالیه
تحویل داده و سواد برای اطلاع ادارات مربوطه مرکزی ارسال نمایند و از اعضای اداره مرکزی
مالیه آذربایجان هم چند نفر کتک با اداره مالیه رشائیه بدیهد و نتیجه را راپرت نمایند *

ابلاغ میشود *

سواد شن فوق برای اطلاع با اداره

مهر و امضاء
۱۳۱۱/۳/۲۶

رئیس هیئت مدیره...

تقسیم آذربایجان به شرقی و غربی؛ از اسناد کتابخانه ملی

ایران چنین است: فارس ها ۶۱ درصد، آذربایجانی ها ۱۶ درصد، کردها ۱۰ درصد، گیلک ها
و مازندرانی ها ۷ درصد، لر ها ۶ درصد، بلوچ ها ۲ درصد، عرب ها ۲ درصد، ترکمن ها و
قشقای ها ۲ درصد و دیگران ۲ درصد.

CENTRAL INTELLIGENCE AGENCY
THE WORK OF A NATION.
THE CENTER OF INTELLIGENCE.

Library
Home » Library » Publications » The World Factbook

THE WORLD FACTBOOK
People and Society :: IRAN

Nationality:
noun: Iranian(s) adjective: Iranian

Ethnic groups:
Persian 61%, Azei 16%, Kurd 10%, Lor 6%, Baloch 2%, Arab 2%, Turkmen and Turkic tribes 2%, other 1%

Languages:
Persian (official) 53%, Azei Turkic and Turkic dialects 18%, Kurdish 10%, Gilaki and Mazandarani 7%, Luri 6%, Balochi 2%, Arabic 2%, other 2%

Religions:
Muslim (official) 99.4% (Shia 90-95%, Sunni 5-10%), other includes Zoroastrian, Jewish, and Christian 0.3%, unspecified 0.3%

GO TOP

درصد قومیت ها و زبان های ایران از کتابخانه سازمان سیا



Library of Congress – Federal Research Division	Country Profile: Iran, May 2008
COUNTRY PROFILE: IRAN May 2008	
COUNTRY Formal Name: Islamic Republic of Iran (Jomhuri-ye Eslami-ye Iran). Short Form: Iran. Term for Citizen(s): Iranian(s). Capital: Tehran. Other Major Cities (in order of population): Mashhad, Esfahan, Tabriz, Karaj, Shiraz, Qom, and Ahvaz. Independence: In the modern era, Iran always has existed as an independent country. Public Holidays: The national holiday, Islamic Revolution Day, celebrates the victory of the Islamic Revolution on February 11, 1979. Other official holidays are Dawn (the return of Ayatollah Khomeini from 14 years of foreign exile on February 1, 1979), Noruz (Iranian New	  U.S. & CANADA MAP
Ethnic Groups and Languages: The main ethnic groups in Iran are Persians (65 percent), Azerbaijani Turks (16 percent), Kurds (7 percent), Lurs (6 percent), Arabs (2 percent), Baluchis (2 percent), Turkmens (1 percent), Turkish tribal groups such as the Qashqai (1 percent), and non-Persian, non-Turkic groups such as Armenians, Assyrians, and Georgians (less than 1 percent). Persian, the official language, is spoken as a mother tongue by at least 65 percent of the population and as a second language by a large proportion of the remaining 35 percent. Other languages in use are Azeri Turkish and Turkic dialects, Kurdish, Luri, Arabic, and Baluchi.	

برآورد کنگره امریکا از درصد زبان های ایرانی

طبق همین گزارش، درصد زبان های موجود در ایران عبارت اند از: فارسی ۵۳ درصد، ترکی با گویش های متفاوت ۱۸ درصد، کردی ۱۰ درصد، گیلکی و مازندرانی ۷ درصد، لری ۶ درصد، بلوچی ۲ درصد، عربی ۲ درصد و دیگر زبان ها ۲ درصد.^۱

بنابر برآورد دیگری از کنگره امریکا، ۵۵ درصد از ساکنان ایران به زبان فارسی، ۱۶ درصد به زبان ترکی آذربایجانی، ۷ درصد به زبان کردی، ۶ درصد به زبان لری، ۲ درصد به زبان عربی، ۲ درصد به زبان بلوچی، ۱ درصد به زبان ترکمنی، ۱ درصد به زبان قشقایی و سایر زبان های ترکی و کمتر از ۱ درصد نیز به زبان های ارمنی، آشوری، گرجی و دیگر زبان های غیر فارسی و غیر ترکی سخن می گویند.^۲

این داده های آماری از این لحاظ اهمیت دارند که توسط دو نهاد مهم و حساس ایالات متحده امریکا که بی شک پشت و پناه تمام تجزیه طلبان ایرانی است و این عروسان خیمه شب بازی بانخ های کشور مذکور به دوران! در می آیند، ارایه شده است و دست به اصطلاح آقایان «شوونیسم فارس» در ارایه آمار دخال ت ندارد.

بر پایه گزارش صندوق جمعیت ملل متحد نیز جمعیت ایران از فارس ها (۵۱ درصد)، آذری ها (۲۴ درصد)، گیلک ها و مازندرانی ها (۸ درصد)، کردها (۷ درصد)، عرب ها

1. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/ir.html>
2. <http://lcweb2.loc.gov/frd/cs/profiles/Iran.pdf>

جمهوری اسلامی ایران		UNFPA	
صفحه اصلی صندوق جمعیت ملل متحد در ایران دفتر تهران صندوق جمعیت مبارکات ملل متحد در ایران تماس با ما نسخه سایت English			
ایران در یک نگاه		درباره ما	
مختصری ایران در یک نگاه «نماینده و اطلاعات آماری کشور» صندوق جمعیت ملل متحد در ایران ICPD & MDGs اخبار مرتبط همانچ همکاری با ما		مختصری ایران در یک نگاه «نماینده و اطلاعات آماری کشور» صندوق جمعیت ملل متحد در ایران ICPD & MDGs اخبار مرتبط همانچ همکاری با ما	
• بانجهت : تهران • زبان رسمی : فارسی • زبان قلم منطقه : به رسمیت شناخته شده : آذری، کردی، هارندری، گیلکی، بلوچ و عربی • دولت : جمهوری اسلامی • مساحت : ۱,۶۴۸,۱۷۵ کیلومتر مربع • بودجه : ۱۳۰/۰۵۸ میلیارد دلار • نرخ رشد جمعیت : ۱/۶ درصد • برخی اطلاعات خواندنی درباره ایران: • ایران مهد یکی از قدیمی ترین تمدن های مهم و مداوم و پادشاه جهان است • جمعیت ایران لافریس ها (۵۱ درصد)، آذری ها (۲۴ درصد)، گنگ ها و هارندری ها (۸ درصد)، کرد ها (۷ درصد)، عرب ها (۲ درصد)، بلوچ ها (۱ درصد)، لر ها (۱ درصد)، ترک ها (۲ درصد)، لک ها، قشقایی ها، لر ها، بهمنی ها، گوجی ها، آشوری ها، قزاقی ها، باب ها، مازنی ها، کردی ها، برقی ها، هزاره ها، فرای ها و سایرین (۱ درصد) تشکیل شده است. • سه چهارم ایرانیان بیش از ۱۵ ساله، می تواند بخواند و بنویسد. • ایران از نظر دراز بودن منابع نفت و گاز طبیعی، دومی کشور جهان و دومی صادر کننده بزرگ نفت آفگ است. • دومی کلای صادراتی بزرگ ایران فرس است. • نرخ بیکاری در ایران حدود ۱۶ درصد است.		مختصری ایران در یک نگاه «نماینده و اطلاعات آماری کشور» صندوق جمعیت ملل متحد در ایران ICPD & MDGs اخبار مرتبط همانچ همکاری با ما	

گزارش صندوق جمعیت ملل متحد از جمعیت ایران

(۳ درصد)، بلوچ ها (۲ درصد)، لر ها (۲ درصد)، ترکمن ها (۲ درصد)، لک ها، قشقایی ها، ارمنی ها، یهودیان ایرانی، گرجی ها، آشوری ها، قفقازی ها، تات ها، ماندارین آاز زبان های چینی آها، کولی ها، برهمن ها، هزاره ها، قزاق ها و سایرین (یک درصد) تشکیل شده است.^۱ ما آذربایجانی ها مشکلی با اعلام این واقعیت که درصد بیشتر مردم ایران پارسی گوی هستند، نداریم. اصلاً مشکل ایران و ایرانی، گویش و زبان نیست! گویش ها و قومیت ها در ایران مانند گل های رنگارنگ، زینت گلزار است و فرصت است نه تهدید! در مجموعه سران ارشد نظام و کشور و نیز نمایندگان ملت، کسی خصومت و دشمنی با قومیت ها و زبان های زیبای آنان ندارد، علاوه بر آن بسیاری از بزرگان مذکور خود از اقوام غیر پارسی گوی هستند. خداوند در قرآن مجید رنگ و زبان مردم را از آیات خود ذکر فرموده است. (سوره روم، آیه ۲۲) یقین داریم کسانی که به دشمنی با این آیات الهی می پردازند ره به جایی نخواهند برد، چنان که نازیسم، فاشیسم، صهیونیسم و شونیسم رضاخانی^۲

1. <http://iran.unfpa.org/country%20profile-fa.asp>

۲. محسنی رئیس فرهنگ آذربایجان در دوره رضاشاه می گفت: «هر کسی که ترکی حرف می زند، افسار الاغ بر او بزنید و او را به آخور ببندید!» (کیهان، ش ۸۶۳، مورخ ۱۳۲۴/۱۰/۲۶) ذوقی رئیس فرهنگ بعد از محسنی دستور داد صندوق جریمه ترکی حرف زدن در دبستان ها گذاشته شود. هر طفل دبستانی آذربایجانی که ترکی صحبت می کرد باید جریمه نقدی را به صندوق می انداخت! عبدالله مستوفی استاندار آذربایجان هم به شدت با تکلم به زبان ترکی آذری مخالفت می کرد و زبان ترکی را زبان افراسیاب و چنگیز می دانست! گذشته چراغ راه آینده است، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۱، ص ۲۶۲.

به موفقیت نرسیدند!

آمایش سرزمینی و اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی

البته عنایت به مسئله آمایش سرزمینی (نیازها و استعدادهای اقتصادی و اجتماعی مناطق و نیز بحث هزینه-فایده در سرمایه‌گذاری‌های دولتی) و اجرای کامل اصل ۱۵ قانون اساسی^۱ درباره زبان‌های ایرانی (از جمله تأسیس فرهنگستان زبان‌های ترکی، کردی و... و نیز تألیف و تدریس کتاب‌هایی در زمینه ادبیات زبان‌های مذکور در سیستم آموزشی با هدف پاسداشت از زبان‌های ایرانی) بسیاری از بهانه‌های تجزیه‌طلبان را از دستشان خارج و زهرپراکنی‌هایشان را بی‌نتیجه می‌سازد. لازم به یادآوری است که اکنون شبکه‌های استانی صدا و سیما و شبکه‌های برون مرزی به زبان‌های ترکی، کردی و... مشغول فعالیت‌اند و هیچ منعی برای تدریس کتاب‌های درسی به زبان‌های محلی در سیستم آموزشی وجود ندارد. به عنوان نمونه در مناطق متعدد آذربایجان برای فهم بیشتر و بهتر دانش‌آموزان، مطالب درسی به زبان ترکی آذربایجانی تدریس می‌شود. علاوه بر این نشریات محلی به زبان‌های محلی چاپ و منتشر می‌شوند یا اینکه بخشی از نشریات محلی را مطالبی با زبان‌های محلی تشکیل می‌دهند. همچنین کتاب‌های ادبی، تاریخی و فرهنگ‌های لغوی زبان‌های محلی بارها منتشر شده و مورد استفاده و رجوع مردم هستند.

لزوم وجود زبان ملی در کشور

اکنون هر کودکی می‌داند (البته منادیان تجزیه‌طلبی هنوز هم نمی‌دانند و تا هنگام مرگ هم نخواهند دانست!) که در کشوری با چند یا چندین زبان، یک زبان باید زبان ملی باشد تا تمام اقوام به وسیله آن با هم ارتباط گرفته و تعامل نمایند. در ایران نیز این زبان، زبان شیرین فارسی است. تجزیه‌طلبان از تاریخ هم درس نگرفته‌اند. به یقین پادشاهان و حاکمان ترک در دوران حکومت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان که در تاریخ ایران به «عصر ترکان» مشهور است (و نیز صفویان، افشاریه، قاجاریان که همه سلسله‌های ترک‌زبان بودند) علاقه‌شان به قومیت و زبان‌شان بسیار بیشتر و برتر از پان‌ترکیست‌های کنونی بوده است؛ اما آنان برای تعامل با اقوام متعدد ایران بدون هیچ دغدغه‌ای زبان

۱. اصل پانزدهم: زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است.



فارسی را که می‌توان گفت در چهار گوشه ایران آن روز قابل فهم بود، برگزیدند و کتاب‌ها و حتی تاریخ سلسله‌های خود را به این زبان نویسانیدند و شعرای بزرگ در دربار آنها اشعار خود را به زبان فارسی سرودند. تاریخ بیهقی نوشته ابوالفضل بیهقی در تاریخ غزنویان، شاهنامه سروده ابوالقاسم فردوسی، راحه‌الصدور و آیه‌السرور نوشته نجم‌الدین راوندی در تاریخ سلاجقه روم [آسیای صغیر، آناتولی]، و سیره جلال‌الدین منکبرنی نوشته نورالدین محمد نسوی نویسنده خاص سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه بهترین شاهد بر این مدعا هستند. حتی قوم خونریز و وحشی مغول نیز پس از سيطرة بر ایران کتاب‌های خود را نه به زبان نامفهوم مغولی بلکه به زبان فارسی نگاشتند. از این کتاب‌ها می‌توان به: جامع‌التواریخ اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر توانا و دانشمند، تاریخ جهانگشا نوشته عطاملک جوینی و... اشاره کرد.^۱ البته این توضیحات به هیچ وجه نافی ارزش و زیبایی زبان‌های اقوام ایرانی و محلی از جمله زبان ترکی آذربایجانی نیست. آنها خود زبان‌هایی کامل و ارزشمندی هستند و برخی جزو زنده‌ترین زبان‌های دنیا محسوب می‌شوند که علاوه بر ایران در خارج از مرزهای کشورمان نیز بدان‌ها تکلم می‌شود. گلستان ایران را گل‌های رنگارنگ و زیبایی تشکیل داده است. این نه یک تهدید، بلکه فرصت و افتخار است. مقام‌های ولایت، تنوع اقوام در ایران را یک فرصت می‌دانند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این مورد می‌فرماید:

این را همه بدانند؛ نظام اسلامی تنوع اقوام را در کشور بزرگ و سرفرازمان یک فرصت می‌داند. سنت‌های مختلف، آداب و عادات مختلف و استعداد‌های گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزاء گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله تنوع اقوام دارد.^۲

یئنی گاموح (گاموح جدید)

با توجه به شیرین‌عقلی‌های امثال چهرگانی، احمد اوبالی و... در ایجاد حرکات‌های تجزیه‌طلبانه جهت جداسازی آذربایجان از ایران و الحاق به جمهوری آذربایجان،

۱. برای توضیح بیشتر راجع به منابع تاریخی دوره‌های یادشده رک: عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸، ص ۷۲-۴۳.

۲. سایت اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir؛ سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج، ۱۳۸۸/۲/۲۲.

عده‌ای نیز به این خیال افتادند که با اندکی ویرایش! در اساسنامه و اهداف گاموح و داک، حزب به ظاهر ملایمی در آذربایجان ایجاد کنند تا بتواند اهداف تجزیه طلبانه را در ظاهر تشکیلات پان ترکیستی به پیش ببرد. لذا تشکیلاتی با عنوان «ینی گاموح» در ترکی آذربایجانی: «یئنی گونئی آذربایجان میلی اوپانیش حرکتی» به اختصار «یئنی گاموح» (در فارسی: حرکت نوپیداری ملی آذربایجان جنوبی) تشکیل دادند.



از اساسنامه و مرامنامه منتشر شده در سایت اینترنتی ینی گاموح این اطلاعات به دست می آید:

تشکیلات «حرکت نوبیداری ملی آذربایجان جنوبی» (یئنی گاموح) تشکیلاتی است سیاسی، اجتماعی که برای وحدت، آزادی ملی، دمکراتیک شدن، پیشرفت و رفاه عمومی ملت تورک آذربایجان جنوبی مبارزه می نماید.

قرارگاه مرکزی یئنی گاموح در آذربایجان جنوبی بوده و به دلایل امنیتی آدرس آن اعلام نمی گردد.

اهداف اساسی یئنی گاموح:

- اتحاد تورکان ساکن در آذربایجان جنوبی و همچنین تورکان مهاجر آذربایجانی و ایجاد وحدت ملی و هدایت مبارزات ملی در جهت احراز «حق تعیین سرنوشت».



- ایجاد جبهه واحد برای مبارزات ملت آذربایجان جنوبی در مقابله با شووینیسیم فارسی، فاشیزم دینی، راسیسم نژادپرستی، استثمار، استبداد، تبعیضات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نقض حقوق و آزادی‌های بشر، خشونت، شکنجه و ترور یسم.

- تبلیغ و نهادینه کردن تورک‌گرایی آذربایجانی، مدرنیته و آزادی عقیده بین تمام طبقات اجتماعی و سرلوحه قرار دادن این خط مشی و عملی ساختن تئوری‌های آن.

کلیه آذربایجانی‌ها فارغ از زبان، دین، جنسیت و تابعیت با قبول اصول این نظامنامه می‌توانند به عضویت یئنی گاموح درآیند.

ارگان‌های رهبر یئنی گاموح عبارت‌اند از:

کنگره: عالی‌ترین ارگان یئنی گاموح که هر ۴ سال یک بار برگزار می‌گردد.

کمیته مرکزی: از میان اعضای یئنی گاموح برای مدت ۴ سال از طرف کنگره انتخاب می‌شوند.

صدر: صدر یئنی گاموح از میان اعضای یئنی گاموح برای مدت ۴ سال از طرف کنگره با اکثریت دو، سوم آرا انتخاب می‌شود و بر تمامی فعالیت‌های تشکیلات نظارت می‌نماید...^۱

دبیر تشکیلات دکتر لطیف حسنی (دکترای روابط بین‌الملل) و اعضای کمیته مرکزی: محمود فضلی (مهندس صنایع از دانشگاه علم و صنعت ایران)، شهرام رادمهر (مهندس صنایع از دانشگاه صنعتی مالک‌اشتر)، آیت مهرعلی بیگلر (فوق لیسانس مدیریت از دانشگاه تربیت مدرس تهران) و بهبودقلیزاده معرفی شده‌اند که در زمستان سال ۱۳۹۱ بازداشت و به اتهام «مشارکت در فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی به نفع گروه‌های غیر قانونی، مشارکت در اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور، عضویت در گروه غیر قانونی به قصد برهم زدن امنیت ملی و همچنین جاسوسی به نفع کشورهای بیگانه و یا معاونت در آن» در دادگاه بدوی و تجدید نظر هر کدام به نه سال زندان محکوم شدند و اکنون دوران محکومیت را می‌گذرانند.

بدون نیاز به توضیح مفصل، می‌توان اهداف یئنی گاموخیان! را پراکندن تخم دشمنی

۱. سایت اینترنتی یئنی گاموح: www.yenigamoh.com/index.php/sample-sites1-2. اساسنامه و اهداف، ۱۲ آبان ۱۳۹۱.

در میان اقوام ایرانی، ایجاد بدبینی و سپس دشمنی در آذربایجان علیه حکومت و فارسی‌زبانان، نشان دادن ولایت فقیه به عنوان فاشیسم دینی (البته بدون ذکر موارد و دلایل مورد ادعا که ولایت فقیه چه سختی با فاشیسم دینی دارد؟! و ضدیت با ولایت فقیه، ضدیت با تمامیت ارضی ایران، جدایی دین از سیاست و... برشمرد و همه اینها اهدافی شیطانی و خواست امریکا و اسرائیل است.

حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی؛ گاسپ

گاسپ مخفف کلمات ترکی: «جنوبی آذربایجان سوسیال دمکرات پار تیاسی» به فارسی «حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی» است.



با توضیحات بالا به قسمتی از به اصطلاح مرامنامه «حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی» که تشکیلات، رئیس، مرکز فعالیت و... آن و اینکه اصلاً وجود خارجی دارد یا نه؟ هیچ معلوم نیست، توجه فرمایید:

۱. مخفف و کوتاه شده نام حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی «گاسپ-Gasp» می‌باشد.

۲. حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی «گاسپ» در راه آزادی و استقلال آذربایجان جنوبی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران به سرکردگی شوینیسم فارس مبارزه می‌نماید.



۳. هدف «گاسپ» ایجاد دولت لائیک [غیر دینی] سکولار [جدایی دین از حکومت] و حقوقمند در آذربایجان جنوبی بر اساس دموکراسی و سیستم پارلمانتاریستی به اتکاء به پلورالیسم (تکثرگرایی) می باشد و کوشش در جهت ایجاد آذربایجان متحد و واحد که دشمنان آن را از هم جدا نموده اند.

۴. زبان: در آذربایجان جنوبی زبان رسمی دولت ترکی آذربایجانی خواهد بود. لیکن دیگر اقلیت های ساکن در وطنمان، می توانند در کنار زبان ترکی آذربایجانی از حق تحصیل به زبان مادری خود برخوردار شوند...

۹. پارلمان: پارلمان ارگان قانون گذاری مدرن در عصر نوین و یکی از ارگان های دولت مداری می باشد. حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی با اتکاء به سیستم فدرال در کنار پارلمان مرکزی «مجلس ملی» تشکیل پارلمان ایالتی را در آذربایجان هدف خود قرار داده است.

نظامنامه حزب: هدف و مقصد حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی برقراری آزادی، دموکراسی، عدالت اجتماعی در وطنمان با اتکاء به هم پیوستگی ملی می باشد. راه رسیدن به این هدف را تنها در رهایی ملتمان از استعمار سیاسی، مدنی، فرهنگی راسیسم فارس و با تکیه به اراده ملت آذربایجان می دانیم.

حزب سوسیال دمکرات آذربایجان جنوبی با توجه به شرایط کنونی، مجبور است در داخل آذربایجان به صورت غیر علنی و مخفی فعالیت نماید. ولی به جهت ضرورت، حزب ما در خارج از کشور نیز نمایندگی دارد. [مثلاً در کجا؟!]

شرایط عضویت در حزب: شرط اساسی آذربایجانی بودن است. هموطنان آذربایجان شمالی می توانند عضو افتخاری محسوب شوند. برای عضو شدن در حزب داشتن ۱۶ سال تمام شرط است. کسانی که در رژیم سرنگون شده گذشته و یا در رژیم جنایتکار [؟! اسلامی کنونی به نحوی در سرکوبی مردم شرکت داشته اند، به عضویت حزب پذیرفته

نمی‌شوند...^۱

در زمینه این حزب خیالی و موهوم، اطاله کلام نه لازم است و نه پسندیده. فقط به سه مورد اشاره می‌شود:

۱. در بند ۱ مرامنامه اعلام شده که «این حزب برای استقلال آذربایجان جنوبی از جمهوری اسلامی ایران مبارزه می‌کند.» در مقدمه نظامنامه نیز هدف حزب «رهایی ملت آذربایجان از استعمار سیاسی، مدنی، فرهنگی راسیسم (برتری نژادی/ نژادپرستی) فارس» عنوان شده است. اما در بند ۹ مرامنامه، سیستم فدرالی و تشکیل پارلمان ایالتی در آذربایجان درخواست می‌شود!! عجیب است که این شیرین عقل‌ها و مبتلایان به مالیخولیا ادعای تشکیل حزب سیاسی و مبارزه برای استقلال دارند، اما در ابتدای الفبای سیاست مانده‌اند و اصلاً نمی‌فهمند چه می‌خواهند؟! استقلال و جدایی با سیستم فدرالیسم^۲ و داشتن پارلمان ایالتی با هم جمع‌شدنی نیست و دو شیوه کاملاً از هم جدا هستند. نوشته‌های چنین افرادی کاملاً فکاهی و خنده‌دار است!

۲. اگر هدف این حزب خیالی «اتحاد دو آذربایجان است که دشمنان آن را از هم جدا ساخته‌اند» ذکر حکومت آذربایجان جنوبی به چه معنی است؟ چه نیازی به ذکر زبان دولتی، پارلمان، کنگره و... وجود دارد؟ در صورت اتحاد آیا رژیم باکو اجازه داشتن این ارگان‌ها را خواهد داد؟ اصلاً با وجود این ارگان‌ها مگر اتحاد با جمهوری آذربایجان عملی می‌شود؟ این چه نفهمی و دیوانگی است؟

۳. ادعای فعالیت مخفیانه حزب در آذربایجان، پاسخی است به این که: «چرا فعالیت حزب در هیچ کجای آذربایجان دیده نمی‌شود؟» لابد چون فعالیت مخفی می‌کنند!! بالاخره این فعالیت مخفی باید نمودی در طول چند سال داشته باشد یا خیر؟ نویسنده و دوستانش حرکت‌های تجزیه‌طلبان در آذربایجان را رصد می‌کنند و تا به حال به فعالیتی آشکار یا مخفی توسط افراد منتسب به حزب سوسیال دمکرات آذربایجان برنخورده‌اند! رجزخوانی تا کی؟! خداوندا ما را از شر احمق‌ها حفظ فرما!

۱. سایت اینترنتی حزب سوسیال دمکرات آذربایجان، مرامنامه و نظامنامه:

<http://www.guneyasp.com/index.php/fa/2013-06-20-13-27-14/407-2013-09-12-10-29-24>

۲. فدرالیسم (به انگلیسی: Federalism) نظام سیاسی ویژه‌ای که به موجب آن در کنار یک حکومت مرکزی، چند حکومت خودمختار و محلی دیگر هم وجود دارد که اقتدار و وظایف دولت، میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم می‌شود. دولت‌های محلی هر کدام بنا به موقعیت، از حاکمیت یا قسمتی از حاکمیت خود به نفع دیگری که قدرتمندتر است و یا به نفع دولت مرکزی، صرف‌نظر می‌کنند و در عوض مورد حمایت آن دولت قرار می‌گیرند. البته روش‌های خاصی برای حل اختلاف میان حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی مقرر می‌گردد... محمد حاجی‌زاده، فرهنگ تفسیری/یسم‌ها، تهران، جامه‌دران، ۱۳۸۴، ذیل فدرالیسم.

دیرنیش



آرم دیرنیش

حزب اینترنتی دیگری که داعیه استقلال آذربایجان و مبارزه با حکومت شوونیستی! فارس‌ها را یدک می‌کشد، موسوم به «آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی» (تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان) است که در بیانیه اعلام موجودیت خود به تاریخ ۲۳ دی ۱۳۸۵ می‌نویسد:

ملت عزیز آذربایجان

سرزمینمان آذربایجان در برهه‌ای حساس از تاریخ روزهای سرنوشت‌سازی را پشت سر می‌گذارد. فشاری‌های نژادپرستانه و پروژه‌های هویت‌زدایی ملی از ملت آذربایجان روز به روز رنگ جدی به خود گرفته و جدی‌تر از دهه‌های گذشته امروز با تمام توان بنیادهای ملیمان را مورد حمله قرار داده است. نظریه پردازان پاک‌سازی ملی در هشتاد سال گذشته با استفاده از انواع سیاست‌های شوونیستی فارس‌گرا سعی بر کتمان و سرکوب نمودن صدای حق‌طلبی ملی ملت آذربایجان را به پیش برده‌اند و امروز نیز همان برنامه‌ریزان و مجریان سیاست‌های شوونیستی در حالی که چالش‌های فراوان داخلی، منطقه‌ای و جهانی را در پیش روی خود دارند، برای رهایی از اعتراضات ملی ملت آذربایجان به تمام اهرم‌های خود متوسل شده‌اند و در این راستا حتی مذهب را نیز ملعبه خود ساخته و پروسه گذر از ملت تورک به امت فارس را در برنامه کاری خویش قرار داده‌اند... در چنین شرایط حساسی از تاریخ گام گذاردن به عرصه مبارزات ملی بدون استفاده از زیرساخت‌های مدرن و علمی میسر نخواهد بود و این مهم نیز مشروط به ایجاد احزاب و تشکیلات‌های منظم و منسجم جهت تثویز کردن اندیشه‌های ملی‌گرایانه و سازماندهی مبارزات مردمی می‌باشد... بدون وجود احزاب و تشکل‌های منظم و منسجم جهت کانالیزه نمودن مبارزات ملی، راه سرکوب و انحراف مبارزات توده‌وار برای حاکمان شونیسم فارس‌گرا هموار بوده و خواهد بود... ضرورت وارد شدن به فاز مبارزات سیستماتیک و تشکیلاتی بر همه طیف‌ها و فعالین حرکت ملی آشکار

گردیده. اینک با درک این ضرورت تاریخی «آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی» گام به عرصه مبارزات ملی و هویت گرایانه گذارده و اعلام موجودیت می نماید.

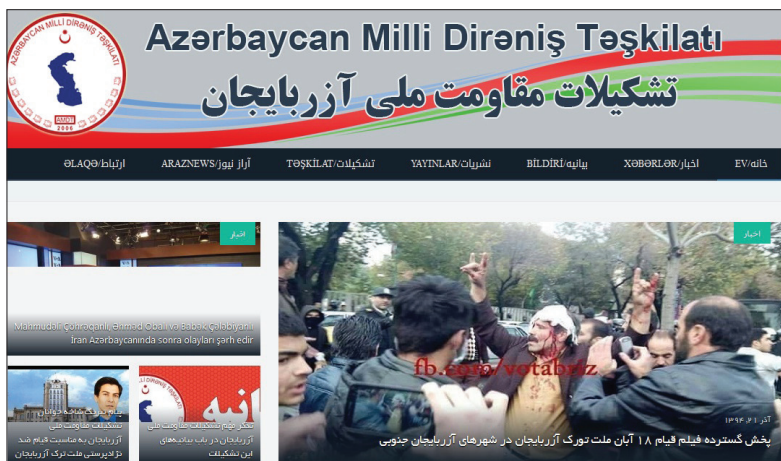
در ادامه این رجز خوانی، تشکیلات دیرنیش اهداف اصلی و راهکارهای خود را چنین اعلام می دارد:

۱. «آذربایجان میلی دیرنیش تشکیلاتی» مبارزه سیستماتیک و تشکیلاتی خود را برای اعاده حق تعیین سرنوشت سیاسی و ملی ملت آذربایجان و دفاع از تمامیت ارضی سرزمینمان آذربایجان آغاز نموده است.

۲. خود را جزئی از جنبش ملی گرای ملت تورک آذربایجان دانسته و خود را مقید به رعایت اصول و مبانی اندیشه های ملی گرایانه برای دفاع از منافع ملی ملت آذربایجان می داند.

۳. مشی مبارزاتی بر پایه های مبارزه مخفی و نیمه علنی با راهکارهای دمکراتیک و غیر خشونت آمیز استوار بوده و استراتژی اولیه و بنیانی این تشکیلات جذب، پرورش و کادر سازی از نیروهای جوان در داخل سرزمینمان و ایجاد هماهنگی دینامیکی [پویایی] در لایه های مختلف جامعه جهت مشارکت در مقاومت ملی و مبارزه فراگیر می باشد.

۴. با اعتقاد به تئوری قدرت گیری از پایین به بالا و مبارزه در درون





توده در داخل سرزمینمان آذربایجان تشکیل یافته ولی به علت ماهیت مخفی و نیمه علنی آن از به کارگیری روش‌های معمول که منجر به ضربه پذیری تشکیلات شود جداً خودداری خواهد نمود.

۵. مشی مبارزه مخفی نه تنها این تشکیلات را از مردم جدا نخواهد نمود، بلکه بستر لازم را برای آغاز مبارزه فراگیر فراهم خواهد آورد.

۶. با انتشار جزوات تحلیلی، آموزشی، راهبردی و نشریات خبری رابطه سیستماتیک خود را با مردم و هواداران خود حفظ خواهد نمود. هیئت مؤسسين تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان AMDT ۱۳۰۶/۳/۱۹

تشکیلات متوهم دیرنیش در «مرامنامه» ادعایی خود ضمن توضیح احساساتی ستم‌های روی داده علیه «ملت ترک آذربایجان» و تلاش آنها برای کسب استقلال در طول تاریخ ۲۰۰ ساله، مدعی است که ملت ترک آذربایجان در دوره‌های انقلاب مشروطه، قیام شیخ محمد خیابانی و حرکت حزب خلق مسلمان به خودمختاری و در دوره فرقه دمکرات به رهبری پیشه‌وری به تشکیل دولت موفق گشته است!

البته کسانی که اندک اطلاعاتی از تاریخ ایران و آذربایجان داشته باشند می‌دانند که مقاومت ۱۱ ماهه تبریز به رهبری ستارخان و باقرخان علیه استبداد صغیر محمدعلی شاه قاجار و اعاده مشروطه و مقاومت مرحوم شیخ محمد خیابانی علیه «قرار داد منحوس ۱۹۱۹ انگلیس و ایران» که کشور را به صورت مستعمره انگلیس در می‌آورد، به هیچ وجه تشکیل دولت یا حکومتی در برابر حکومت مرکزی ایران نبود. این بزرگ‌مردان نامدار برای نجات کل ایران می‌کوشیدند نه جدایی و تقسیم ایران! حزب خلق مسلمان نیز در چند ماه حضور خشن، غیر مشروع و خلاف قانونش در تبریز و برخی نقاط آذربایجان نتوانست استاندار، فرماندار، شهردار و حتی بخشدار و کدخدایی! منصوب کند. یعنی مردم مبارز آذربایجان و به ویژه تبریز اجازه چنین گستاخی‌هایی را به آنان ندادند. قدرت آنها محدود به تعدادی کمیته‌های مسلح بود که با تلاش سپاه و کمیته‌های انقلاب اسلامی جمع و منحل شدند.

جمهوری مستقل و مقدس آذربایجان!

ارتزاق تشکیلات دیرنیش از دین‌ستیزان حاکم بر جمهوری آذربایجان به قدری واضح و آشکار است که نتوانسته‌اند منت‌داری خود را مخفی سازند و ضمن اعطای لقب

«مقدس» به جمهوری آذربایجان مدعی هستند: «امروز جمهوری مستقل و مقدس آذربایجان شمالی در سطح جهان و سازمان ملل متحد ملت آذربایجان را نمایندگی می‌کند.» (۱۴) به یقین در قاموس مالیخولیایی آقایان معنی «مستقل و مقدس» از نوع ماکیاولیستی است که برای یافتن هوادار با کلمات بازی می‌کنند و معانی آنها را به کلی عوض می‌نمایند تا اعضای چشم و گوش بسته را به تور اندازند!

بخشی از مرامنامه شیرین عقل‌های موسوم به دیرنیش را می‌خوانیم تا به میزان درک و شعورشان پی ببریم:

... در سایه مجاهدات و مقاومت ملتمان و شهدای تقدیم‌شده، امروز جمهوری مستقل و مقدس آذربایجان شمالی در سطح جهان و سازمان ملل متحد ملت آذربایجان را نمایندگی می‌کند. علی‌رغم سال‌ها اسارت خونین و روزهای سیاه، اراده ملی در آذربایجان هیچ وقت از بین نرفت و مقاومت ملی همچنان ادامه یافت. امروزه مبارزات ملی دمکراتیک ملتمان برای کسب آزادی و اتحاد دوباره اراضی ملی در آذربایجان جنوبی ادامه دارد... امروزه نیز حاکمان سیاسی ایران با بازپچه قرار دادن شریعت و دین و با نام امت واحده اسلامی در حال اجرای پروژه فارسیزه کردن و ذوب نمودن هویت ملی آذربایجان می‌باشند که خوشبختانه به دلیل رشد آگاهی ملی در آذربایجان مجریان این پروژه به نتایج دلخواه خود نرسیده‌اند... در جغرافیایی که ایران نامیده می‌شود مسئله ستم ملی اساسی‌ترین مشکل به شمار آمده و در اثر بیداری «ملل و خلق‌های تحت ستم ملی» سیستم مبتنی بر تفکرات نژادپرستانه فارس در حال اضمحلال می‌باشد... در هشتاد سال گذشته زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی ملت ترک آذربایجان به عنوان ملتی که تحت ستم ملی و سرکوب‌های نژادپرستانه قرار گرفته دچار ضایعات جبران‌ناپذیری شده است. وضعیت اسفبار کنونی، ملت ترک آذربایجان را مجبور به دفاع از خود نموده و «حق دفاع مشروع» را برای ملتمان فراهم ساخته است. با توجه به دلایل یادشده شرایط برای مبارزات مدنی و دمکراتیک ملت ترک آذربایجان و استفاده از اصل «حق تعیین سرنوشت» مندرج در بیانیه جهانی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل جنوبی (۴) فراهم آمده است. «مام میهن آذربایجان» و «ملیت ترک» دو رکن اصلی افکار ما بوده و



تئوری «ملت‌سازی، دولت‌سازی و اتحاد اراضی ملی» راستای مجادلات ما خواهد بود.^۱

به باور دیرنیشیان، استراتژی رسیدن به اهداف ذکر شده عبارت‌اند از:

تبلیغ و ترویج بیداری ملی در بین ملت ترک در آذربایجان جنوبی
ایجاد غرور و اتحاد ملی در بین لایه‌های مختلف اجتماعی ملت ترک
در آذربایجان جنوبی
تلاش برای متوقف نمودن هر گونه سیاست‌های شوونیستی اتخاذ شده
بر علیه ملت ترک آذربایجان
تئوریزه کردن و بسترسازی برای اعاده حق تعیین سرنوشت ملی -
سیاسی ملت ترک در آذربایجان جنوبی
کادرسازی برای گذر به مرحله ملت‌سازی
پیشبرد برد مبارزات دینامیک و آلترناتیو با توجه به مقتضیات روز.^۲
تشکیلات دیرنیش در سایت اینترنتی خود مدعی است که:

هسته‌های مقاومت ملی آذربایجان برای پیشبرد و سازماندهی
مجادلات و مقاومت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت
مخفی در درون سرزمین‌های آذربایجان سازماندهی شده‌اند و مشغول
مبارزه و فعالیت از جمله جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات می‌باشند.^۳

تلاش برای ایجاد اختلاف و اغتشاش

تشکیلات دیرنیش همواره می‌کوشد به اختلافات ترک و فارس و نیز ترک و کرد دامن
بزند و از عصبیت ایجاد شده در جهت منافع و اهداف خطرناک خود بهره‌برداری نماید.
به عنوان نمونه با درج تصاویری از اعتراض مردم آذربایجان نسبت به یکی از برنامه‌های
فتیله، حرکت اعتراضی به آن را قدرت‌نمایی دانست که «شاه اسماعیل خطایی اصفوی.
خطایی تخلص شاعری وی بود» و نادر شاه افشار به فرزندانشان بالیدند، ستارخان سرشار
از غرور شد و شهید پیشه‌وری نفس راحتی کشید.!!

در آخرین برنامه «فتیله» که روز جمعه ۱۵ آبان‌ماه ۱۳۹۴ روی آنتن شبکه دوم
سیما رفت، در یکی از آیتم‌ها به نام «هتل فیتیله‌ای» پدر و پسر ترک‌زبانی قصد ترک

۱. <http://diranish.com/2556> (۲۰۰۶ آپریل)

۲. همان.

۳. همان.



زود هنگام هتل را داشتند و علت آن را نیز دست و پا شکسته به زبان فارسی و ترکی، بوی بدی اتاق محل اقامت‌شان عنوان کردند. مدیر پذیرش هتل هم بعد از بررسی متوجه می‌شود که فرزند این مسافر ترک‌زبان، به جای استفاده از مسواک از فرچه توالت برای شستن دهانش استفاده کرده و این بوی بد نیز از دهان این کودک متصاعد می‌شود.

پخش این برنامه، واکنش‌های تنیدی را در مناطق متعدد آذربایجان به ویژه تبریز در پی داشت و به درگیری‌هایی منجر شد. کمال‌الدین پیر مؤذن نماینده مردم اردبیل، نیر، نمین و سرعین و دکتر پزشکیان نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی به شدت به توهین صدا و سیما به آذربایجانی‌ها واکنش نشان دادند.

پس از این واکنش‌ها، روابط عمومی سازمان صدا و سیما با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن پوزش بابت این اتفاق، تأکید کرد:

اشتباه، بی‌دقتی و نظارت نادرست عوامل برنامه‌ساز و ناظر مربوطه، دیالوگ‌هایی به زبان آذری بیان می‌شود که باعث تمسخر و در نتیجه رنجش خاطر و ناراحتی هموطنان غیور و عزیز آذری‌زبان شده و شکایاتی را موجب می‌گردد. علی‌رغم سهوی بودن این اتفاق، مسئولان و عوامل دخیل در تولید و پخش این برنامه، متخلف محسوب می‌شوند و این مسئله تا آشکار شدن موضوع و ریشه‌های آن به طور جدی پیگیری خواهد شد. تا انجام بررسی‌های لازم و رسیدن به نتیجه نهایی، پخش برنامه «فیتیله» فعلاً متوقف می‌شود. مدیر پخش و مدیر گروه کودک شبکه دو به دلیل سهل‌انگاری توبیخ کتبی خواهند شد و جانشین مدیر پخش که مسئول نهایی نظارت برنامه‌هاست نیز توبیخ و از مسئولیت برکنار می‌شود.

روز ۱۸ آبان شخص محمد سرافراز رئیس سازمان صدا و سیما و علی‌اصغر پورمحمدی معاون سیمای رسانه ملی نیز به صورت رسمی از مردم آذربایجان عذرخواهی کردند و

وعده برخورد شدید با مسببین این واقعه را دادند. با این حال گروه‌های تجزیه طلب با رسانه‌های شنیداری و دیداری، شبکه‌های اجتماعی و سایت‌های اینترنتی خود بسیار کوشیدند تا مردم را تحریک کنند و بر دامنه اعتراضات و اغتشاش بیفزایند. اما این بار صبر، تحمل و بصیرت مردم نجیب ترک زبان ایران در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، زنجان و حتی آذربایجان‌های ساکن پایتخت و اعتماد و اطمینان آنها به مسئولان امور، نقشه‌های خائنانه بیگانگان و تجزیه طلبان را نقش بر آب نمود.

The screenshot shows the website 'Sabit Gonzi TV' (سایت گونزی تی وی). The header includes social media links for Twitter, Facebook, YouTube, and RSS. The main content area features a large image of a protest with people holding signs. Below this, there are several news items with text and smaller images. The text is in Persian and discusses various topics related to the protests in Azerbaijan. The website also has a sidebar with additional links and information.

تشکیلات دیرنیش در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۹۴ طی مطلبی با عنوان: «تشکر و قدردانی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان از ملت ترک آذربایجان» در تحریک به اغتشاش بیشتر و افزایش دشمنی آذربایجانیان با مردم مناطق فارس زبان چنین نوشت:

بار دیگر ملت ترک آذربایجان حماسه‌ای بزرگ آفرید تا برگ زرینی بر دفتر تاریخ مبارزات ملی آذربایجانیان سرافراز تاریخ افزوده شود. امروز ۱۸ آبان ۱۳۹۴ ملت ترک آذربایجان با اراده آهنین و شکست ناپذیرش بار دیگر درسی تاریخی و فراموش نشدنی به بدخواهان و یاوه گویانی داد که فکر می‌کردند می‌توانند با آذربایجان مانند گوشت قربانی رفتار کنند. امروز همگان بار دیگر دیدند که آذربایجان بیدار، استوار و مصمم، هستی‌اش را پاس داشته است.

امروز هر وجب خاک آذربایجان با همت و غیرت جوانان ترک تبریز، زنجان، ارومیه، اردبیل و دیگر شهرهای آذربایجان سرشار از غرور و افتخار شد. امروز شاه اسماعیل خطایی و نادرشاه افشار به فرزندانشان بالیدند، ستارخان سرشار از غرور شد و شهید پیشه‌وری نفس راحتی کشید.

امروز همچنین چشم آذربایجان به جمال همزبانان و هم‌تباران خود در تهران و ایل بزرگ تاریخ‌ساز و قهرمان پرور قشقایی روشن شد که برای حمایت از آذربایجان به خیابان‌ها آمده بودند که به نوبه خود محل امتنان و شکران بی‌پایان دارد.

پیروزی امروز همچنین دلیلی دیگر بود بر الزام و ناگزیر بودن وحدت و هم‌گرایی در درون حرکت ملی آذربایجان.

تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان ضمن تشکر و قدردانی از ملت ترک آذربایجان و بوسیدن دست تک‌تک جوانانی که خالصانه و فقط به عشق آذربایجان قهرمان و ملت بزرگ ترک به خیابان‌ها آمدند به نوبه خود بار دیگر به بدخواهان آذربایجان و ترک‌ها اخطار می‌دهد که بعد از این بهتر است پایشان را از گلیم‌شان درازتر نکنند و بدانند که ترک‌های آذربایجان در راه مبارزات آزادی‌خواهانه خود که تارسیدن به سر منزل مقصود ادامه خواهد داشت، مایل نیستند نه آنان و نه دیگرانی را در مقابل پایشان ببینند تا ناگزیر پای بر روی آنان گذارند...^۱

ادعای مقابله با پان‌کر دیسم

از دیگر خصوصیات تشکیلات دیرنیش ادعای مقابله با زیادخواهی و توسعه‌طلبی تجزیه‌طلبان کرد نسبت به مناطق مورد ادعایشان به عنوان خاک آذربایجان است. به عنوان نمونه این تشکیلات اینترنتی در نامه‌ای خطاب به وزیر امور خارجه اسرائیل «نسبت به اظهار نظر وزیر دادگستری آن کشور مبنی بر تشکیل دولت کردستان مستقل در سرزمین تورکان آذربایجان» اعتراض نمود. متن این نامه به تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۹۴ چنین است:

از سخنگوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به وزیر امور خارجه

اسرائیل

موضوع: اظهارات اخیر وزیر دادگستری اسرائیل
 اظهارات اخیر وزیر محترم دادگستری اسرائیل خانم آیلت شاکد مبنی بر تشکیل کشور مستقل کردستان در سرزمین تورکان آذربایجان (ما بین ایران - ترکیه) کاملاً نامناسب و بسیار خطرناک است.
 آذربایجان جنوبی جولانگاه اهداف سیاسی قدرت‌های خارجی نخواهد بود. ملت تورک آذربایجان برای حق تعیین سرنوشت و اداره خود در سرزمین مادری خود در حال مبارزه است. ما به عنوان تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان به کرامت انسانی و حقوق خلق‌ها احترام قایل هستیم. مایل هستیم بیان کنیم که تورکان آذربایجان جنوبی هیچ گونه تحرکات با انگیزه سیاسی در سرزمین‌های تاریخی خود را تحمل نخواهد کرد. ما با قدرت در برابر زیاده‌خواهی برخی از احزاب و سازمان‌های کوردی ایستاده‌ایم. ما انتظار داریم مقامات اسرائیل در اظهارات خویش واقعیات منطقه را در نظر بگیرند و امیدوار هستیم اظهارات آتی مقامات اسرائیل به دور از اشتباهات گذشته با در نظر گرفتن دموگرافی منطقه سازنده باشد.

سرخن‌گوی تشکیلات مقاومت ملی آذربایجان بابک چلبیانلی^۱
 این تشکیلات در اقدامی دیگر به انتشار جزوه‌هایی تحت عنوان «توپراق» (خاک) می‌پردازد و در آنها خوانندگان را به دفاع از سرزمین آذربایجان در برابر توسعه‌طلبی کردها فرا می‌خواند. در

این زمینه از تحریک احساسات مردم آذربایجان نسبت به جنایات احزابی چون کومله و حزب دمکرات کردستان به رهبری قاسملو در شهرهای آذربایجان غربی مانند



1. <http://diranish.com/2761>



نقده (سولدوز) طی سال ۱۳۵۸ خودداری نمی‌ورزد و مردم را نسبت به تکرار چنین کشتارهایی برحذر می‌دارد.

لازم به یادآوری است که اکثریت مردم مسلمان کرد از این جنایت‌ها میرا هستند و چنین جنایت‌هایی توسط اعضای وحشی حزب دمکرات کردستان و حزب

کومله صورت گرفت که در کتاب/انقلاب/اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب بخش کردستان، شرح داده شده است.

تشکیلات دیرنیش چون می‌داند جایی در میان مردم آذربایجان ندارد و اهداف و فعالیت‌هایش خلاف شرع و قانون است و لذا نیروهای امنیتی و انتظامی و قوه قضاییه در برابر آنها و هر تجزیه‌طلب دیگری به وظایف خود عمل خواهند کرد، با انتشار کتابچه‌هایی نیروهای خود را برای چگونگی مقاومت در دستگیری‌ها و بازجویی‌ها تحت آموزش قرار می‌دهد. یکی از این کتاب‌ها با عنوان شکنجی سفید، ترفندهای بازجویی - راه‌های مقابله با آن در سایت اینترنتی دیرنیش منتشر شده و هدف از انتشار آن آشنایی اعضای بازداشت‌شده با انواع بازجویی و تلاش جهت افشا نکردن اطلاعات تشکیلات است.

دیگر احزاب اینترنتی تجزیه‌طلب

علاوه بر تشکیلات و احزاب تجزیه‌طلبی که تا اینجا مورد بررسی و تحلیل قرار دادیم (داک، گوناز، گاموح، جاماح، یئنی گاموح، دیرنیش و گاسپ) در محیط اینترنت نام احزاب دیگری مشاهده می‌شود که همگی مدعی تجزیه آذربایجان از ایران و تشکیل آذربایجان متحد با جمهوری آذربایجان و گاه تشکیل ترکستان بزرگ (ترکیه، آذربایجان ایران، جمهوری آذربایجان، ترکمن صحرا، جمهوری ترکمنستان و...) هستند. این احزاب عبارت‌اند از:

اتحادیه ملی دمکراتیک آذربایجان (Birlik)

حزب دموکرات آذربایجان جنوبی (GADP)

حزب استقلال آذربایجان جنوبی (GAIP). (در کتاب/انقلاب/اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب معرفی شده است.)

حزب لیبرال دمکرات آذربایجان جنوبی (GALDP)

جبهه آزادی ملی آذربایجان جنوبی (GAMAC)

حزب رهایی آذربایجان جنوبی (AGP)

برخی از این احزاب دارای سایت اینترنتی می‌باشند و نظامنامه، مرامنامه و اهداف اعلامی‌شان بسیار شبیه نوشته‌ها و ادعاهای احزاب بررسی شده است و می‌توان گفت از یکدیگر کپی کرده‌اند! برخی نیز با اینکه در سایت اینترنتی صفحه‌هایی برای توضیح مرامنامه، نظامنامه و اهداف دارند، لیکن هیچ توضیحی ارائه نداده‌اند یعنی خود نیز معترف‌اند که بدون مرام و هدف هستند. به اینها می‌گویند احزاب آبکی!!

برای تنویر افکار یادآور می‌شویم که در مراجعه به سایت‌های اینترنتی جریان‌های تجزیه‌طلب باید کاملاً هوشیار بود. زیرا در محیط مجازی اینترنت به ویژه زمانی که از سرورهای خارجی ایجاد و منتشر می‌شوند، هر شخص یا اشخاصی امکان ایجاد و تبلیغ هر اندازه حزب و جریان با هر اسم و ایسمی (هدفی) را دارند. لذا صرف این اسم‌ها و ایسم‌ها گویای واقعیت داشتن و بودن اعضا و هوادار نیست. احزاب واقعی باید در عمل خود را نشان دهند و گر نه در محیط امن و راحت اینترنت و شبکه‌های تصویری و شنیداری، می‌توان احزاب فراوان با سنگین‌ترین مرامنامه‌ها و بیشترین اعضا را ایجاد و تبلیغ کرد. به یقین بیشتر احزاب و حرکت‌های تجزیه‌طلب کنونی به ویژه منادیان شوم



تجزیه آذربایجان از ایران فقط در محیط اینترنت وجود دارند و نه بیشتر! گویا این احزاب آبکی و اینترنتی که هیچ گونه نمایندگی و وکالتی از سوی مردم آذربایجان ندارند و فاقد هر گونه مشروعیت و مقبولیتی هستند و اصلاً از طرف مردم آذربایجان به حساب نمی آیند، به تازگی نامه‌ای را خطاب به بان کی مون دبیر کل سازمان ملل امضا کرده‌اند و در آن خواسته‌اند که سازمان ملل ترتیب برگزاری رفراندومی در



حزب دموکرات آذربایجان جنوبی

خانه گلدب آذربایجان جنوبی اخبار و مقالات فیلم گوتنی آذربایجان سمنی رادیوسو تماس با ما جستجو...

حزب دموکرات آذربایجان جنوبی

میللت‌میرک اسارت‌ده و موستملکه شراب‌پنیده ساخلاماق اوچون کیملیگ‌مهرین دایلماسی، اوزلوگوموروت انییرلمه‌سی، بیه فارشی آشاعلاما، دیشلاما، باباجیلاندیرما، بیز سوزله، روزاکی اسیممیلیاسیا ختین‌نین اونیولانماسی گوتنی آذربایجاندا اندیک حاکم اولموش فانیسین، شویتسین، انی-اسنای رازم‌لرین بوروندوگو سمناسلارین باشیندا دوروش‌دور، شویتس‌مین ایستیر یهلوک، ایستیرمه ده ایران ایستلام رزمی میللت‌میرک حاکم اولدوگو سورده میللی کیملیگ‌میرک و تورک‌گوموره فارشی آمان‌سیراسیمین سالدیرمیش، بیز بیز تولهول اولاراق اریدیم یوخ اتیمک اوچون ایمکانی داخلینده اولان یوتون واسطه‌لرین بارانلاماعا جالینیه‌ش‌دیر. بیز بشر مدنیمه یوک داهلار باغیشلامیش، دونیا زنگین دؤلته‌لیک و باشقا میللت‌لره ساریق ایزی ورمیش تورک میللتی‌نین بیز خیمه‌سی اولان گوتنی آذربایجان تورک‌لوگوون بوگونکو آغیر دورومو دا محض بورادان قایبالانماقدادیر. (گزری یی اوجوماق اوچون خولک‌لرین یوریا تکلاسر)

English/Türkçe

باییه ک همسیرک در اعتراض به رژیم ایران: به ظلم و ستم علیه مللهاک
عرب و ترک پایان دهید

با حضور دهها فعال عرب و ترک، تظاهرات در مقابل سفارت ایران در سولده + ویدیو

روز جمعه 14 اسفند تظاهرات گسترده ای در شهر استکهلم سولده شکل گرفت، به گزارش آناج دهها فعال سیاسی عرب و ترک با حضور در مقابل سفارت ایران در سولده شعارهای اعتراضی سردادند. فعالین سیاسی عرب و ترک از شهرهای مختلف سولده شهروان گوسورک و

روز جمعه 14 اسفند تظاهرات گسترده ای در شهر استکهلم سولده شکل گرفت و دهها فعال سیاسی عرب و ترک با حضور در مقابل سفارت ایران در سولده شعارهای اعتراضی سردادند. فعالین سیاسی عرب و ترک از شهرهای مختلف سولده شهروان گوسورک و



Azerbaijan South Azerbaijan Flag of South Azerbaijan South Azerbaijan in UNPO GALDP Party Lybrarism Liberal Democracy Liberal feminism Human Rights

Guney Azerbaijan Liberal Demokrat Partisi

Home Secretary General Feminism GALDP 21 December News Liberal world Video Liberal parties in countries States Parties Fighters imprisoned Exercise Other

QUESTIONS Amzalamag link Kmpyryn link amzalamag ichin kempyryn link: <https://www.facebook.com/even>

حزب لیبرال دمکرات آذربایجان جنوبی

Partiya of South Azerbaijan Liberal Democrats

November 29, 2014 Leave a comment

South Azerbaijan Liberal Democrats Liberal Democrats Partiya of Partiya of South Azerbaijan, Xania Association of Bhutan and the Liberal Party FDP Flyover and the Dakar in teshebusun, 21 Azer 69 - ilnar the munasibet to live according to the Seminar on the internet and live vertikal Azerbaijan münkik that will be passed Read More »

Social networks

YouTube Google+ Facebook Twitter LinkedIn



آذربایجان جنوبی برای تأمین اصل «حق تعیین سرنوشت» آذربایجان را بدهد. به یقین سلسله جنیان این به اصطلاح احزاب و تشکیلات تجزیه طلب، دشمنان عظمت، وحدت و تمامیت ارضی ایران بزرگ و شکست خوردگان از سرفرازی انقلاب اسلامی هستند که با دمیدن بر طبل های تو خالی به اسامی: گاماح، جاماح، دیرنیش، گاسپ و... در صدند در مسیر پیشرفت و تعالی ایران اسلامی سنگ اندازی نمایند. آنان باد می کارند و به یقین طوفان درو خواهند کرد!

تحلیل نهایی عملکرد تجزیه طلبان

در تحلیل نهایی پیرامون حرکت ها و جیغ های شوم تجزیه طلبی در ایران باید به چند واقعیت بسیار مهم توجه نمود:

۱. توجه به عاقبت خونین قوم گرایی

آن سوی قوم گرایی و تجزیه طلبی بسیار تیره و تار و خونین می نماید، زیرا قلمرو نفوذ ادعایی تجزیه طلبان یا در همسایگی همدیگر قرار دارد یا در همدیگر فرو رفته اند و لذا این افراد که در عالم مالیخولیا به سر می برند و خواب های تکه تکه کردن ایران را می بینند، از هم اکنون به هم چنگ و دندان نشان می دهند! حال اگر روزی بتوانند حداقل درصدی از خواب های پریشان شان را عملی نمایند، در دشمنی با همدیگر حمام خون به راه خواهند انداخت و با ایجاد عصبیت های قومی و مذهبی، جوانان مناطق مختلف ایران را برای اهداف شوم و پلید خود در زیر توپ ها و خمپاره ها نیست و نابود خواهند کرد. بهترین نمونه در این مورد، هشدارها و بد و بیراه های متقابل است که احزاب تجزیه طلبی چون حزب دمکرات کردستان و حزب کومله^۱ با احزاب تجزیه طلب آذربایجانی به کار می برند. با توجه به اینکه بافت جمعیتی شهرهای زیادی از آذربایجان و کردستان به صورت مختلط از ترک آذری و کرد است، هر دو طیف تجزیه طلب ادعای مالکیت آن شهرها را دارند و ادعای احزاب رقیب را دست اندازی و روحیه تهاجم ارزیابی می کنند.

چهرگانی کردها را فقط مهمانان آذربایجان خوانده^۲ و طی اظهار نظری در سایت شخصی اش گفته است:

در حال حاضر ۵۰۰ هزار کرد در آذربایجان غربی زندگی می کنند،

۱. برای آشنایی با این دو حزب رک: اصغر حیدری، انقلاب اسلامی و گروه های تجزیه طلب.

۲. سایت اینترنتی ایران امروز، iran emrooz؛ فاشیسم دینی، نژادپرستی کور و کابوس فروپاشی ایران.

اگر رفتار عادی داشته باشند، هیچ مشکلی نیست و گرنه همان طور که آمده‌اند باید بروند.^۱

او و گروهش بارها خواستار اشغال شمال عراق توسط ارتش ترکیه شده‌اند و کرکوک و موصل را «سرزمین تاریخی ترک‌ها که به دست عده‌ای کرد اشغال شده» خوانده‌اند.^۲ به نظر احمد اوبالی از سران داک، «کرد یک ناسزا است!» در نشریه کوردستان ارگان رسمی حزب دمکرات کردستان، رامبد لطفی یکی از کادرهای مهم حزب نوشته است:

چنان که می‌دانیم شهر ماکو همچون برخی دیگر از شهرهای کردستان مانند ارومیه، نقده، میاندوآب، سلماس و... بافت جمعیتی‌شان از ترکیب دو ملت کرد و ترک به وجود آمده است. همچنان که جمعیت کرکوک در کردستان جنوبی [عراق] را کرد و ترک و عرب تشکیل می‌دهند. اما واقعیت این است که کرکوک شهری کردستانی است. به همین صورت ماکو، ارومیه، نقده، میاندوآب، سلماس و... هم شهرهایی کردستانی هستند. این واقعیت مناقشه‌بردار نیست. این شهرها هر چند که ساکنان ترک‌زبان هم داشته باشند، اما سرزمینی کرد هستند و ترک‌ها در آنجا مهمان‌اند و قابل احترام و باید با آنها محترمانه رفتار نمود. آنها همچون اقلیتی ساکن این سرزمین‌اند و در سرزمین کردها به سر می‌برند و برای این مسئله هیچ ایرادی نیست.^۳

در واکنش به چنین ادعای خیالی و قوم‌گرایانه، شخصی به نام محمد آزادگر که مسئول هیئت اجرایی «حزب استقلال آذربایجان جنوبی»^۴ خوانده شده در نامه‌های سرگشاده به احزاب و سازمان‌های کرد ایرانی چنین هشدار داد:

حزب دمکرات کردستان چند سال است که در روزنامه ارگان خود ارومیه و شهرهای دیگر را داخل کردستان به حساب می‌آورد. حزب کومله نیز ماکو را شهری از کردستان به حساب آورده است. به تمامی احزاب و گروه‌های کرد که قصدی در مورد شهرهای آذربایجان از جمله:

۱. سایت اینترنتی گاموح: www.arshiv.gamoh.info/farsi/about_farsi.html اظهار نظر دکتر چهرگانی درباره کردها.

۲. همان: دردهای آذربایجان جنوبی را به دنیا اعلام کردیم.

۳. کوردستان، ش ۴۳۲، اسفند ۱۳۸۴، ص ۲۲.

۴. شرح این حزب اینترنتی در کتاب انقلاب/اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب داده شده است.



ارومیه، خوی، ماکو، سالماس، سولدوز (نقده)، خانا (پیرانشهر) و سویوق بولاق (مهاباد) [ترکیب یافته از دو کلمه ترکی: سویوق به معنی سرد و بولاق به معنی چشمه] دارند اخطار می دهیم که این شهرها جزو لاینفک آذربایجان هستند و حزب استقلال آذربایجان جنوبی [در مورد] اراضی آذربایجان با هیچ شخص و گروهی مذاکره نخواهد کرد؛ اراضی آذربایجان حتی یک سانتی متر به احدی واگذار نخواهد شد. البته کردها در این شهرها بوده اند و اکنون نیز هستند و در کنار آذربایجانی ها زندگی می کنند.^۱

مصطفی هجری دبیر کل حزب منحل دموکرات کردستان از نوشته یکی از پان ترکیست های تجزیه طلب که نوشته بود: «کردها چشم به سرزمین آذربایجانی ها ندوزند»، عصبانی شده و این پاسخ تند را داد:

هیچ کردی به خاطر هیچ کس و هیچ ملتی دست از هیچ وجبی از خاک کردستان بر نخواهد داشت... از دیدگاه ما سرزمین کردستان تمام شهرها، مناطق، روستاها، دشت ها و کوه هایی که در تقسیمات کشور استان های کردستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی نامیده شده است را دربر می گیرد.^۲

انتشار نقشه کردستان بزرگ که در آن بخش های زیادی از آذربایجان ایران نیز درون محدوده ادعایی قرار گرفته است، خشم شدید تجزیه طلبان آذری را برافروخت؛ چنان که به احزاب تجزیه طلب کرد هشدار دادند:

اگر می خواهید در صلح و آرامش همسایه باشیم باید از این ادعاهای خولیائی دست بردارید. در غیر این صورت به آذربایجان اعلان جنگ می کنید که آن هم به نفع شما نخواهد بود... تا آخرین قطره خون از تمامی خاک آذربایجان دفاع خواهیم کرد.^۳

بخش بزرگی از آذربایجان غربی در منطقه ادعایی کردستان بزرگ^۴ (شامل مناطق کردنشین کشورهای ترکیه، سوریه، عراق و ایران که دامنه شمالی آن از سواحل مدیترانه در کشور سوریه آغاز و به سواحل خلیج فارس در استان خوزستان ایران منتهی

۱. سایت اینترنتی حزب استقلال آذربایجان جنوبی: www.gaip.org، ۲۰ مارس ۲۰۰۶.
۲. همان.

۳. سایت اینترنتی حزب استقلال آذربایجان جنوبی: www.gaip.biz، ۱۲۸ اکتبر ۲۰۰۶.

۴. شرح کردستان بزرگ در کتاب/انقلاب/اسلامی و گروه های تجزیه طلب آمده است.

می‌شود. یعنی از دریا به دریا، درست همانند شعار صهیونیست‌ها: از نیل تا فرات!) و از طرف دیگر در منطقه ادعایی ارمنستان بزرگ واقع شده است. از طرف دیگر بخش بزرگ کردستان ایران و کردستان عراق در منطقه ادعایی آذربایجان بزرگ قرار دارد. پان ترکیست‌ها خواهان تشکیل آذربایجان یا ترکستان بزرگ‌اند که از سوی شرق به منطقه ترکمن صحرا و از آن طریق به ترکمنستان می‌پیوندد. هر تجزیه طلب نسبت به قلمرو حرکت تجزیه طلب دیگر ادعای ارضی دارد و این است چشم‌انداز هولناک و خونینی که مدعیان دروغین و پوسیده تشکیل آذربایجان بزرگ و کردستان بزرگ از آینده بخش غربی ایران به دست می‌دهند و بر سر مالکیت رؤیایی و ادعایی شهرها و روستاهای ایران هل من مبارز می‌طلبند! اینان از استکهلم، لندن، باکو، آنکارا، عشق‌آباد و سلیمانیه به همدیگر هشدار می‌دهند که مبادا چشم طمع‌ی به گوشه‌ای از خاکی که قرار است مهریه پیوندشان با سران ایالات متحده امریکا باشد بدوزند، که آن چشم را از کاسه سر بیرون خواهند آورد. وای به روزی که چنین عناصر شیطانی بر سر نوشت و زندگی مردم کردستان و آذربایجان چیره گردند! در آن روزگار حمام خون و پاکسازی قومی به اوج خود خواهد رسید!



اسرائیل بزرگ: از نیل تا فرات (و خلیج فارس)



کردستان بزرگ: از مدیترانه تا خلیج فارس

صفات مشترک: توسعه طلبی، تهاجم نظامی، حذف اقوام و مذاهب دیگر، نسل کشی و مهم تر از همه عدم تجاوز به حدود یکدیگر که از مقایسه دو نقشه فهمیده می‌شود. هماهنگی صهیونیسم و پان ترکیسم!



تردیدی نیست که اگر این عناصر پلید به هدف‌های باطل و مالیخولیایی خود برسند، چنین فاجعه‌ای را به سراسر ایران سرایت می‌دهند و فرداست که میان عرب‌زبانان و بختیاری‌های خوزستان بر سر هویت و مالکیت شهرها و روستاهای آن دیار نیز ستیز ایجاد خواهند کرد و چهار گوشه کشور را به خون و آتش خواهند کشید. تبدیل کشور واحد و قدرتمند ایران به «ایرانستان» و حتی تفکر آن، خواسته اصلی دشمنان قسم‌خورده و خونین پنجه اقوام ایرانی اعم از کرد، بلوچ، ترکمن، عرب، فارس، لر و ترک است.

۲. مقابله به مثل با حامیان تجزیه‌طلبان

جمهوری اسلامی در برابر وقاحت گروه‌ها و دولت‌هایی که به نوعی بر طبل تجزیه و تقسیم ایران می‌کوبند، بر اساس اصل بسیار عاقلانه «پرهیز از ایجاد و گسترش تشنج در روابط خارجی» بیشتر به دفاع، افزایش آگاهی مردم و توضیح نقشه‌های شوم آنان پرداخته است. اما در برابر سماجت و زورگویی آنها لازم است اصل «تهاجم متقابل فرهنگی و تاریخی» را به عنوان مقابله به مثل و راهی برای شکست دشمنان وحدت و تمامیت ارضی ایران و جنگ‌طلبان تجزیه‌طلب به کار بندد. تمامی یا بیشتر خاک همسایگانی که ریگی در کفش دارند و به حمایت و هدایت تجزیه‌طلبان می‌پردازند، متعلق به ایران بوده است. از طرف دیگر از امتدادهای گسترش یافته زبانی، قومی و مذهبی اقوام ایرانی در آن سوی مرزها به خصوص در جمهوری آذربایجان، ترکیه و کردستان عراق می‌توان به خوبی بهره گرفت و با سلاح دشمن به جنگ و مقابله او رفت و توپ تجزیه‌طلبی را به خاک آنان انداخت! منادیان تجزیه ایران و مزدورانشان از اجرای سیاست «تهاجم متقابل فرهنگی و تاریخی» از سوی ایران، به شدت در هراس و واهمه به سر می‌برند؛ زیرا در برابر آن سپر دفاعی ندارند.^۱

۳. توجه به نقش پلید امریکا

به یقین در تمام حرکت‌های تجزیه‌طلبی و جنایت‌های علیه ایران و ایرانی، دست خبیث و خونین امریکا و اسراییل به صورت پنهان و آشکار دیده می‌شود. دلیل اصلی این ادعا شعارها و عملکردهای تجزیه‌طلبان است که در راستای اهداف شوم امپریالیسم و صهیونیسم قرار دارد. اما برای استناد بیشتر به نقل چند مورد بسنده می‌شود. الف. طیف وسیعی از پشتیبانان تجزیه‌طلبان ایران در کنگره امریکا لانه گزیده‌اند و اقدامات شوم خود را پی می‌گیرند. یکی از نمایندگان معروف آنان «دانا روهراباکر» در

۱. برای توضیح بیشتر به کتاب/انقلاب/اسلامی و گروه‌های تجزیه‌طلب بخش آذربایجان مراجعه فرمایید.



داناروهرا باکر

باشد.

نامه‌ای به هیلاری کلینتون (وزیر خارجه وقت آمریکا) خواستار کمک آمریکا به تجزیه ایران و جدا کردن آذربایجان از ایران شد و مدعی گشت:

کمک در مشروعیت بخشیدن
به اشتیاق مردم آذری برای
کسب استقلال خود در قیاس با
تهدید بمباران مخازن تحقیقاتی
هسته‌ای زیرزمینی ایران، می‌تواند
خطر بسیار بزرگ تری برای
حاکمان ایرانی به دنبال داشته

سیاستمداران امریکایی همیشه دخالت در امور

کشورهای دیگر را جزو حقوق و حتی وظیفه خود می‌دانند و معلوم نیست این حقوق یا وظیفه را از کجا و بر اساس کدام سروش غیبی به دست آورده‌اند و از چپ و راست علیه کشورهای مستقل می‌تازند! اگر همین حقوق و وظیفه را نمایندگان دیگر کشورها علیه آمریکا مطرح کنند، گوش فلک را با جیغ‌های انکار الاصواتشان پر می‌کنند و حرف‌ها و دلایل دیگران را به صورت اقداماتی کاملاً زشت و شیطانی و دخالت در امور داخلی خود قلمداد می‌نمایند. اگر یکی از اعضای پارلمان کشوری نامه‌ای به دولت خود بفرستد و از آن بخواهد تا از انتقال هاوایی به ساکنان هاوایی و یا بازگرداندن کالیفرنیا به مکزیکی‌ها حمایت کند، واکنش شیطان بزرگ و شیطانیان چه خواهد بود؟! ظاهراً ابرقدرت بودن حقوق خاص خود را در پی دارد!

در نتیجه جنگ‌های روسیه با ایران در زمان فتح‌علی شاه قاجار طبق معاهده گلستان و ترکمنچای سرزمین‌های بالای رود ارس که بخش بزرگی از آذربایجان بزرگ تحت حاکمیت ایران محسوب می‌شد، از پیکر مام میهن جدا گشت. اما اکنون امریکایی‌ها (از زبان امثال روهراباکر) درصددند از هر راه و روش شیطانی و خبیث برای آسیب زدن به ایران و از هم پاشیدن تمامیت ارضی آن استفاده کنند. نامه روهراباکر ظاهراً از خبرهای جدید شکوفایی روابط نظامی اسرائیل و جمهوری آذربایجان الهام گرفته است، آنجا که می‌نویسد:

حمایت از چنین همکاری‌ای برای ایالات متحده معقول به حساب

می آید، چرا که حکومت دیکتاتوری و سلطه جویانه موجود در تهران، دشمن ما و نیز دشمن آنها می باشد. مردم آذربایجان از نظر جغرافیایی از هم جدا شده اند و آنها پس از تقریباً دو قرن حاکمیت خارجی خواستار اتحاد مجدد سرزمین خود می باشند.

همین طور وی خطر ایجاد و گسترش فعالیت تجزیه طلبانه در آذربایجان را برای ایران خطری بزرگ تر از بمباران مخازن تحقیقاتی هسته ای زیرزمینی ایران می داند، زیرا که کشور از داخل پریشان و متنشج شده و سرطان تجزیه طلبی با کمک آشکار و پنهان امریکا، اسرائیل و برخی کشورهای احمق اروپایی و حوزه خلیج فارس به سایر نواحی نیز سرایت خواهد کرد! متن کامل نامه این نماینده کنگره امریکا به هیلاری کلینتون به این شرح است:

خانم وزیر:

یکی از اعضای حزب حاکم جمهوری آذربایجان فوریه گذشته از دولت خواست تا نام این کشور را به «آذربایجان شمالی» تغییر دهد. سیاوش نوروزوف یکی از اعضای پارلمان، پیشنهاد داد که ۱۶ میلیون آذری ساکن در شمال غربی ایران (آذربایجان جنوبی) باید به صورت یک ملت واحد و متحد دربیایند. این سرزمین که آذربایجان جنوبی در نظر گرفته می شود، تقریباً دو برابر جمهوری آذربایجان در شمال دارای جمعیت است. بنابر گزارشات، این پیشنهاد مورد توجه چندین تن از اعضای پارلمان نیز قرار گرفته است.

در ایران، دولت تهران استان هایی که بیشتر ساکنان آنها قوم های آذری هستند را آذربایجان شرقی و غربی می نامد. بنابراین، این موضوع خود ادله ای بر این ادعای دولت باکو می باشد که معتقدند سرزمین آذری ها تقسیم شده است. در واقع این قلمرو به واسطه معاهده ترکمنچای در سال ۱۸۲۸م و بدون جلب رضایت آذری ها بین روسیه و ایران تقسیم شد. روسیه دیگر در این موضوع عامل تأثیرگذاری به حساب نمی آید، چرا که جمهوری آذربایجان استقلال خود را در سال ۱۹۹۱م به هنگام فروپاشی جماهیر شوروی به دست آورد. ایران امروز از فارس حدود دو قرن گذشته بسیار متفاوت است.

به دنبال خبرهای اخیر پیرامون شکوفایی همکاری نظامی بین

اسرائیل و آذربایجان، مسئله آذربایجان مجدداً مطرح گردیده است. حمایت از چنین همکاری‌ای برای ایالات متحده معقول به حساب می‌آید، چرا که حکومت دیکتاتوری و سلطه‌جویانه موجود در تهران دشمن ما و نیز دشمن آنها می‌باشد. نحوه تعیین هویت، احساس وفاداری و اقدامات مردم خاورمیانه را نمی‌توان همیشه بر اساس خطوط مرزی موجود بر روی نقشه یک کتابخانه تعیین کرد. ایران به منظور افزایش تأثیر خود در لبنان و عراق، از گروه‌های قومی و مذهبی سوءاستفاده کرده است. ایالات متحده باید به دنبال فرصت‌هایی باشد تا بتواند همین کار [تحریک گروه‌های قومی و مذهبی در ایران!] را در مناطق کلیدی انجام دهد. کمک در مشروعیت بخشیدن به اشتیاق مردم آذری برای کسب استقلال خود، در قیاس با تهدید مباران مخزن تحقیقاتی هسته‌ای زیرزمینی ایران، می‌تواند خطر بسیار بزرگ‌تری برای حاکمان مستبد ایرانی به دنبال داشته باشد.

با تشکر - دانا روهراباکر

ب. هیلاری کلینتون در خاطرات منتشرشده‌اش آشکارا اعلام می‌کند:

پس از سرکوب جنبش سبز در ایران، تلاش‌ها برای ارایه ابزار و فناوری فرار از سرکوب و سانسور دولتی به فعالان طرفدار دموکراسی را افزایش دادم. طی چند سال بعد، ده‌ها میلیون دلار سرمایه‌گذاری کردیم و بیش از ۵۰۰۰ فعال را در سراسر جهان آموزش دادیم.^۱

به یقین منادیان شوم تجزیه آذربایجان از ایران نیز در میان این مزدوران آموزش‌دیده سازمان سیا بوده و هستند. امریکا مأمورهای مخالف با انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی ایران است. یک نیروی به اصطلاح اپوزیسیون را نمی‌توان نشان داد مگر اینکه یاد امریکا لانه گزیده یا از سوی شیطان بزرگ پشتیبانی می‌شود. منادیان تجزیه آذربایجان مانند چهرگانی، اوبالی و... همراه با تشکیلات پوسیده‌شان در امریکا لانه گزیده‌اند!

۴. نگاهی به تجزیه‌طلبان کشور امریکا

اگر تجزیه‌کشورهای بزرگ و تشکیل کشورهای جیبی برای هر قوم و طایفه‌ای، امر

۱. هیلاری کلینتون: انتخاب‌های سخت، بخش دوم/فصل ایران: تحریم‌ها و رازها، کد خبر: ۳۷۸۱۰۵، تاریخ انتشار: ۱۸ دی ۱۳۹۳؛ www.mashreghehnews.ir

DANA ROHRBACHER
86th District, California

Caucuses:
FOREIGN AFFAIRS
Chairman, Subcommittee on
Oversight and Investigations
Subcommittee on the
Middle East and South Asia
INDE, SPACE, AND TECHNOLOGY
Subcommittee on
Space and Aeronautics
Subcommittee on
Energy and Environment



Congress of the United States
House of Representatives

July 26, 2012

The Honorable Hillary Rodham Clinton
Secretary of State
US Department of State
2201 C Street, NW
Washington, DC 20520

Dear Madam Secretary,

Last February, a member of the ruling party in the Republic of Azerbaijan called on the government to change the country's name to "North Azerbaijan." Siyavush Novruzov, a Member of Parliament, suggested that the 16 million Azeris who live in northwest Iran (South Azerbaijan) should be united in a single nation. The land considered South Azerbaijan has almost twice the population of the Azerbaijan Republic to the north. The idea has reportedly caught on with several members of Parliament.

In Iran, the provinces inhabited mainly by ethnic Azeris are called East and West Azerbaijan by the government in Tehran, thus giving credibility to the claims made by the government in Baku that the homeland of the Azeri is divided. Indeed, the territory was split between Russia and Persia by the Treaty of Turkmenchay in 1828, without the consent of the Azeris. Russia is no longer a factor, as the Republic of Azerbaijan gained its independence in 1991 when the Soviet Union disintegrated. The Iran of today is very different from the Persia of nearly two centuries ago.

The Azerbaijan question has come forward again due to recent news stories about budding military cooperation between Israel and Azerbaijan. It would be wise for the United States to encourage such cooperation, as the aggressive dictatorship in Tehran is our enemy as well as theirs. How the people of the Middle East identify themselves, feel loyalty and take group action is not always in accord with borders drawn on a library map. Iran has played on ethnic and religious groups to advance its influence in Lebanon and Iraq. The United States should look for opportunities to do the same in key areas. Aiding the legitimate aspirations of the Azeri people for independence poses a greater danger to the Iranian tyrants than the threat of bombing its underground nuclear research bunkers.

Sincerely,

Dana Rohrabacher

Dana Rohrabacher
Chairman
Oversight and Investigations Subcommittee
House Committee on Foreign Affairs

WASHINGTON OFFICE:
7300 Rayburn House Office Building
Washington, DC 20515-0740
(202) 225-2115 FAX: (202) 225-0145

DISTRICT OFFICE:
101 Main Street, Suite 300
Huntington Beach, CA 92648-0110
(714) 962-6083 FAX: (714) 962-7820
South Bay: (310) 377-0485
<http://dhrrohrbacher.house.gov>

۱۶۹



منادیان شوم تجزیه آذربایجان از ایران (۲)

دوره سوم = سال چهاردهم = شماره ۴۹ و ۵۰ = پاییز و زمستان ۹۵

نامه روهراباکر به کلینتون درباره تجزیه آذربایجان از ایران

پسندیده‌ای است، پس چرا ایالات متحده آمریکا به این امر گردن نمی‌نهد و امر پسندیده! تجزیه را از خود شروع نمی‌کند؟! آمریکا از وحدت مهاجرنشین‌های انگلیسی ایجاد شد. سران آن از همان زمان نگذاشتند بین سرزمین پهناور میان دو اقیانوس اطلس و آرام کشوری غیر از ایالات متحده شکل گیرد و با نهایت شدت با تقسیم کشورشان برخورد کردند و حتی تا مرحله جنگ و کشتار پیش رفتند و مانع از تشکیل امریکای شمالی و جنوبی در دوره به اصطلاح جنگ‌های انفصال (برده‌داری) شدند!

جنگ بین ایالت‌های شمالی به رهبری آبراهام لینکلن از حزب جمهوری خواه و یازده ایالت جنوبی تحت فرمانروایی رئیس‌جمهور جفرسون دیویس رخ داد. چند هفته پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۰ سپتامبر ۱۸۶۰، کارولینای جنوبی با رأی مجلس قانون‌گذاری خود خروج از جرگه ایالات متحده را اعلام کرد. بلافاصله پس از مراسم سوگند لینکلن در ۴ مارس ۱۸۶۱ ایالات متحده تجزیه شد. در این روز ایالت‌های کارولینای جنوبی، جورجیا، فلوریدا، آلاباما، می‌سی‌سی‌پی، لوئیزیانا و تگزاس کنفدراسیون کشورهای امریکا را تشکیل دادند. اندک زمانی بعد، آرکانزاس، کارولینای شمالی، ویرجینیا و تنسی نیز به ایالت‌های شورشی پیوستند و تعداد ایالت‌های تجزیه‌طلب به ۱۱ ایالت رسید. در این کشمکش، یازده ایالت جنوبی به «ایالت‌های برده» مشهور شده بودند زیرا در آنها برده‌داری هنوز رواج داشت و بر عکس ایالت‌های شمالی ممنوع نشده بود. ایالت‌های جنوبی بلافاصله ریچموند را پایتخت خود قرار داده



جفرسون دیویس، رئیس‌جمهور منتخب ایالت‌هایی که مستقل شده بودند و اعضای کابینه وی



و جفرسن دیویس را به ریاست جمهوری برگزیدند. در آوریل ۱۸۶۵ جنگ‌های انفصال پس از ۴ سال و با ۴۵۰ هزار نفر کشته و ۳۳۵ هزار نفر زخمی به سود شمالی‌ها و با نتیجه وحدت ارضی دوباره ایالات متحده آمریکا به پایان رسید.

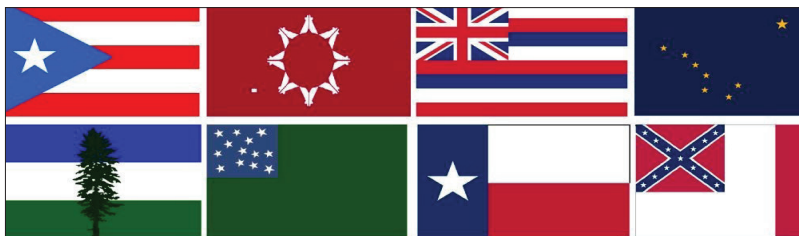
سران ایالات متحده آمریکا با خشونت و خونریزی مانع شده‌اند که بومیان آمریکا کشوری برای خود یا حداقل ایالتی خودمختار داشته باشند. ایالات متحده آمریکا کشوری متحد از لحاظ قومی، نژادی و حتی جغرافیای سیاسی نیست. جنبش‌های تجزیه طلب فعالی در آن کشور وجود دارند که برخی عبارت‌اند از:

جمهوری تگزاس (با سازمان نظامی گروه جمهوری تگزاس)، جمهوری کاسکادیا (متشکل از قسمت‌هایی از غرب آمریکا و کانادا)، حرکت استقلال و خودمختاری هاوایی، حزب استقلال طلبان آلاسکا، لیگ جنوب (متشکل از بقایای جبهه ایالات مؤتلفه آمریکا)، لاکوتا سیوکس (دولت پیشنهاد شده: جمهوری لاکوتا)، پورتوریکو (احزاب: حزب استقلال پورتوریکو، حزب ملی گرای پورتوریکو، جنبش ملی استقلال هوستوسیانو، جبهه سوسیالیست. با سازمان نظامی ارتش خلق بوریکوآ)، ورمونت (جمهوری کوهستان سبز ورمونت)، واشنگتن + اورگون + بریتیش کلمبیا (جنبش استقلال کاسکادیا. دولت پیشنهادی: کاسکادیا).^۱

آیا سران ایالات متحده اجازه حداقل فعالیت برای این احزاب تجزیه طلب را می‌دهند؟ آیا در مورد تقسیم کشور از مردم آمریکا همه‌پرسی می‌کنند؟ به واقع اگر تقسیم کشورها بر اساس قومیت‌ها و تشکیل کشورهایی از یک قوم اقدامی انسانی و واجب است، بسم‌الله؛ این گوی و این میدان. آمریکا که خود را مهد تمدن و دموکراسی و مردم‌سالاری می‌داند، ابتدا حقوق قومیت‌های خود را داده و اقدام به تشکیل کشورهای متعدد در داخل قلمرو ایالات متحده نماید و آنگاه برای دیگران نسخه بپیچد! اما برای صدها بار ثابت شده که از نظر سران آمریکا مرگ حق است اما برای همسایه!!

داگلاس مک‌کنان (Douglas MacKinnon) از مقامات سابق کاخ سفید و پنتاگون که سه سال را در فرماندهی نیروهای مشترک آمریکا فعالیت کرده به عنوان یکی از مفسران برجسته مسائل سیاسی در روزنامه‌ها و نشریات مهم آمریکا و همچنین برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی به تحلیل مسائل روز دنیا می‌پردازد. مک‌کنان اخیراً کتابی را با عنوان *ایالات جدایی طلب/آمریکا* با بهره‌گیری از دانش کارشناسان خبره در

۱. برای توضیح بیشتر رک: www.mashreghnews.ir/fa/news/161517 و نیز سایت ویکی‌پدیا با جست‌وجوی: تجزیه طلبی در ایالات متحده.



پرچم مناطقی از ایالات متحده آمریکا که جنبش‌های استقلال طلبی در آنها فعال هستند:
آلاسکا، هاوایی، لا کوئاسیو کس، پورتوریکو، جنوب، تگزاس، ورمونت، کاسکادیا

حوزه کشاورزی، انرژی، زیرساخت، مالی و اقتصادی و بسیاری زمینه‌های دیگر نگاشته و منتشر کرده است. نام این کتاب از نام «ایالات متحد آمریکا» گرفته شده است. وی در کتاب خود تأکید می‌کند که میلیون‌ها خانواده آمریکایی از نژادهای مختلف و با سوابق گوناگون، درست در زمانی که آمریکا بیش از پیش در زوال مالی و اخلاقی فرو می‌رود، دیگر امیدی به ادامه روند کنونی اداره آمریکا توسط دولتمردان فعلی این کشور ندارند و معلوم نیست که با نابودی ارزش‌های اصیل آمریکایی و امنیت مرزها و بسیاری موارد ناگوار دیگر، سرنوشت آمریکا چه خواهد شد؟

داگلاس مک‌کنان در کتابش به آرایه راهکارهایی برای رفع مشکلات کنونی آمریکا و جایگزین کردن دولت فعلی با یک رویکرد حقوقی و مطابق با قانون اساسی آمریکا می‌پردازد و در نهایت ایده جدایی از ایالات متحده و تجزیه این کشور را به عنوان بهترین گزینه موجود معرفی می‌کند. وی در یادداشتی که مجله اینترنتی *تاوون هال* منتشر کرد به دلایل تألیف کتاب اشاره کرده و نوشت:

گویا رهبران آمریکا عزم خود را جزم کرده‌اند تا مرزهای کشور ما را از بین ببرند، حاکمیت قانون را زیر پا بگذارند، شرکت‌های آمریکایی را به اسم فعالیت‌هایی چون مقابله با تغییرات جوی ورشکسته کنند، متمم دوم قانون اساسی را نقض کنند، تمدن غربی را سانسور کرده و آن را با چند فرهنگ‌گرایی جایگزین کنند، هر روزه میلیاردها دلار به بدهی‌های آمریکا بیفزایند و حتی مذهب ما را نابود کنند. گروهی از متخصصان حوزه‌های مختلف را به منظور یافتن راه حلی برای مشکلات مذکور حدود چهار سال پیش تشکیل دادم. در نهایت به اعتقاد این گروه تخصصی راه حلی که بیش از دیگر راهکارها مؤثر به نظر رسید، تجزیه



ایالات متحده آمریکا بود که برای تحقق این هدف طرحی برای ترک این اتحادیه ارایه شد و در پایان به تألیف کتاب/ایالات جدایی طلب/ آمریکا انجامید؛ کتابی که مشخص می کند چرا، کجا، چگونه و چه زمانی باید این جمهوری جدید بر اساس ارزش های اصیل ما شکل بگیرد.

در نظرسنجی رویترز در آمریکا از هر چهار امریکایی دست کم یک نفر اعلام کرد که آماده پیوستن به جنبش جدایی طلبی در آمریکا است. این رقمی معادل حدود ۸۴ میلیون نفر از جمعیت کل آمریکا خواهد بود. ده ها میلیون امریکایی به حق، نگران آینده کشورشان هستند و می خواهند بفهمند دولت و کشور آنها چه مسیری را در پیش رفته است، اما دیگر خیلی دیر شده و آنها امید خود را از دست داده اند. آنها خواستار تجزیه آمریکا هستند.

من صادقانه از کسانی که معتقدند ارزش های اصیل امریکایی در این کشور در حال سقوط است و کشور نیز سراشیبی سقوط را با سرعت می پیماید و این روند را غیر قابل بازگشت می بیند، می خواهم بدانند که هنوز گزینه ای برای حفظ ارزش های واقعی کشور وجود دارد و آن تلاش برای تجزیه آمریکا است. این راه حلی جنجال برانگیز است که ۲۴۰ سال پیش مطرح شد اما به سرانجام نرسید و امروز یک بار دیگر به عنوان تنها گزینه و تنها راه حل باید مطرح شود. این حق ما امریکایی ها است که درباره آنچه که بسیاری به درستی آخرین روزنه امید می پندارند، بحث و گفت و گو کنیم: «تلاش برای تجزیه آمریکا»^۱.

اما واکنش مقامات حکومت آمریکا نسبت به فعالیت جدایی طلبان امریکایی و جمع آوری امضا برای بررسی موضوع توسط مقامات دولت فدرال، افزایش فشار و تهدید است، چنان که کاخ سفید اعلام کرد ممکن است امضاکنندگان درخواست جدایی ایالت ها از آمریکا از حقوق شهروندی شان محروم شوند.^۲

۵. نقش مخرب رژیم وحشی اسرائیل

رژیم جعلی و صهیونیست اسرائیل از حرکت ها و گروهک های جدایی خواه که مخالف تمامیت ارضی ایران هستند، حمایت سیاسی، مالی و نظامی می کند. در این

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930818000012-1393/8/18>.

۲. مؤسسه مطالعات آمریکا، «ظهور دوباره چالش جدایی طلبی (در آمریکا)»، ۱۳۹۳/۷/۶؛

<http://www.asipress.ir/vdcivay.t1av32bcct.html>



مئیر داگان - رئیس پیشین موساد

مورد سخنان مئیر داگان رئیس پیشین موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل)^۱ در گفت‌وگوی محرمانه با نیک برنز معاون وقت وزارت خارجه امریکا بهترین سند است. این گفت‌وگو در شهر تل‌آویو صورت گرفته و توسط ریچارد جونز سفیر امریکا در اسرائیل طبقه‌بندی حفاظتی شده است. اما سایت ویکی لیکس^۲ توانست آن را با دیگر اسناد

طبقه‌بندی شده وزارت خارجه امریکا منتشر سازد. در این سند چنین آمده است:
(جمعه ۳۱ اوت ۲۰۰۷/۹ شهریور ۱۳۸۷. ملاقات و گفت‌وگوی مئیر داگان رئیس موساد و نیک برنز معاون وزیر خارجه ایالات متحده امریکا. تل‌آویو. طبقه‌بندی شده توسط سفیر ریچارد جونز)...
۴. در مورد ایران، داگان تصریح کرد که ایران در دوره گذار است. بی‌ثباتی در ایران با تورم و تنش در میان اقلیت‌های قومی به پیش می‌رود (میسر است). بر اساس گفته داگان این امر فرصت منحصر به فردی است که اسرائیلی‌ها و امریکایی‌ها (با پرداختن به آن) ممکن است شاهد تغییر در حکومت ایران باشند، مانند عراق که دولت فدرال آن ضعیف شده و به سه بخش متعلق به کردها، سنی‌ها و شیعیان تقسیم شده است.

۱۱. ... نیروی تغییر رژیم: داگان اشاره کرد برای تغییر رژیم در ایران کارهای زیادی باید انجام شود مانند حمایت از جنبش دموکراسی طلب دانشجویان و گروه‌های قومی به عنوان مثال: آذری‌ها، کردها و بلوچ‌ها

۱. از وظایف اصلی موساد انجام عملیات ویژه در خارج از خاک اسرائیل (ترور) و توسعه روابط مخفیانه ویژه و سیاسی در خارج از خاک اسرائیل و حفظ این روابط است. (سایت اینترنتی ویکی‌پدیا یا جست‌وجوی موساد) تماس و حمایت از حرکت‌ها و گروهک‌های تجزیه‌طلب ایرانی در این بند می‌گنجد. مئیر داگان از عوامل اصلی ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، در ۲۷ اسفند ۱۳۹۴ در ۷۲ سالگی به مرض سرطان در بیمارستانی در تل‌آویو مرد.
۲. ویکی لیکس (به انگلیسی: WikiLeaks) سازمانی غیر انتفاعی و بین‌المللی است که به افشای اسناد از سوی منابع ناشناس می‌پردازد. وبگاه ویکی لیکس در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد و در طول یک سال از آغاز فعالیت ادعا کرد که بیش از ۱/۲ میلیون مدرک و سند در اختیار دارد. این سازمان بنا به گفته خودش، توسط مخالف‌هایی از چین همراه با روزنامه‌نگارها، ریاضی‌دان‌ها و فناوری‌هایی از ایالات متحده امریکا، تایوان، اروپا، استرالیا و آفریقای جنوبی پایه‌گذاری شده است. جولین آسانژ فعال اینترنتی استرالیایی به عنوان رئیس ویکی لیکس معرفی می‌شود.

که با رژیم حاکم بر ایران مخالف هستند. [۱۴]

۱۲... داگان خواستار توجه بیشتر برای تغییر رژیم ایران شد و ادعا کرد که به منظور توسعه تحرکات هویت خواهانه اقلیت های قومی در ایران، فعالیت های زیادی می توان انجام داد... تا ایران تبدیل به کشوری عادی (و تحت کنترل) شود.^۱



PUBLIC LIBRARY OF US DIPLOMACY

[Specified Search](#)[View Map](#)[Make Timegraph](#)[View Tags](#)[Image Library](#)

U/S BURNS' AUGUST 17 MEETING WITH ISRAELI MOSSAD CHIEF MEIR DAGAN

Date: 2007 August 31, 12:45 (Friday) Canonical ID: 07TELAVIV2652_a
Original Classification: SECRET Current Classification: SECRET
-- Not Assigned -- Character Count: 17249
Executive Order: -- Not Assigned -- Locator: TEXT ONLINE
TAGS: IR - Iran | IZ - Iraq | KOINP - Nuclear
Non-Proliferation | MARR - Military
Concepts: -- Not Assigned --

SECRET SECTION 01 OF 05 TELAVIV 002652
SUBJECT: U/S BURNS' AUGUST 17 MEETING WITH ISRAELI MOSSAD
CHIEF MEIR DAGAN
Classified By: Ambassador Richard H. Jones. Reasons: 1.4 (b)(d)

4. (S) Assessing the region, Dagan said Israel sees itself in the middle of a rapidly
.....
Iran is driven by inflation and tension among ethnic minorities. This, Dagan said,
presents unique opportunities, and Israelis and Americans might see a change in Iran in
their lifetimes. As for Iraq, it may end up a weak, federal state comprised of three
cantons or entities, one each belonging to the Kurds, Sunnis and Shias.

11 E) Force Regime Change: Dagan said that more should be done to foment regime change
in Iran, possibly with the support of student democracy movements, and ethnic groups
(e.g., Azeris, Kurds, Baluchs) opposed to the ruling regime.

12. (S) Dagan clarified that the U.S., Israel and like-minded countries must push on all
five pillars at the same time. Some are bearing fruit now; others would bear fruit in due
time, especially if more attention were placed on them. *Dagan urged more attention on
regime change, asserting that more could be done to develop the identities of ethnic
minorities in Iran. He said he was sure that Israel and the U.S. could "change the
ruling regime in Iran, and its attitude towards backing terror regimes." He added,
"We could also get them to delay their nuclear project. Iran could become a normal
state."*

گزارش سخنان مئیر داگان رئیس وقت موساد اسرائیل پیرامون فعال کردن تجزیه طلبان ایران در دیدار با نیک برنز معاون وقت وزارت خارجه امریکا در تل آویو

۱. سایت اینترنتی ویکی لیکس:

https://wikileaks.org/plusd/cables/07TELAVIV2652_a.html

در واقع حمایت اسرائیل از تجزیه‌طلبان ایران در راستای چنگ اندازی صهیونیسم به کشورهای مختلف جهان و به زیر سیطره درآوردن آنها طراحی شده است. در این مورد بدون آنکه طرفداری از آدولف هیتلر نماییم (زیرا او نیز مانند صهیونیست‌ها از جنایتکاران بنام جهانی است!) شناخت او از پدیده صهیونیسم را نقل می‌کنیم:

یهودی‌ها چیزی نمی‌خواهند جز اینکه یک روز با ضعیف کردن دولت‌ها موفق شوند یک دولت صهیونی فلسطینی ایجاد نمایند و این آخرین و عالی‌ترین آرزوی آنها است. ولی در نفس امر شاید حقیقت غیر از این باشد، به این معنی که آنها در نظر ندارند (فقط) یک دولت مستقل در فلسطین داشته باشند، بلکه می‌خواهند که فلسطین را برای خود مرکزی قرار دهند تا بتوانند با فعالیت‌های بین‌المللی، جهان را تحت اختیار گرفته و سیاست تخریبی خود را در همه جا توسعه بدهند. در واقع فلسطین برای آنها به منزله یک پناهگاه تربیت جنایتکاران است که مانند یک دانشگاه عالی، مردمانی جهت تأمین آتیه خویش تربیت نمایند.^۱



شیمون پرز رئیس‌جمهور سابق اسرائیل و الهام علی‌اوف رئیس‌جمهور آذربایجان



اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه و آریل شارون نخست‌وزیر سابق اسرائیل (قاتل فلسطینی‌ها)

۱. آدولف هیتلر، نبرد من، ترجمه عنایت، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳.

آذربایجان جانباز انقلابدان آیریلماز

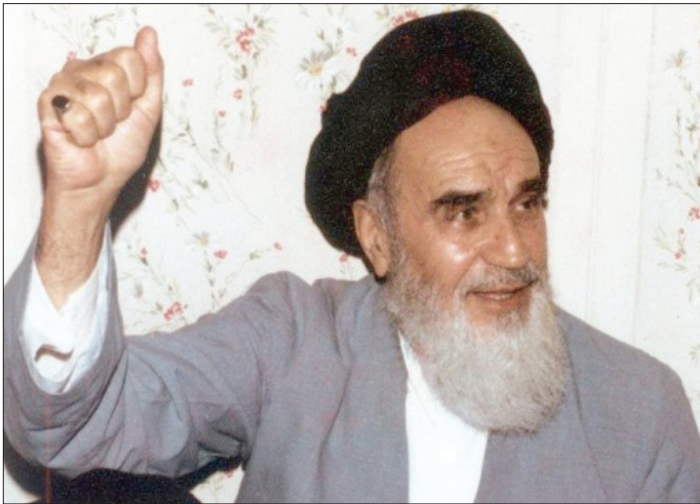
به واقع معلوم نیست شیرین عقلانی چون چهرگانی، اوبالی و... و اعیان و انصارشان چگونه و از چه طریقی نمایندگی مردم باغیرت و ولایتمدار آذربایجان را به دست آورده‌اند که چنین افسارگریخته می‌تازند و از هر طرف شمشیر آخته را به کار می‌گیرند و رجز می‌خوانند و برای مردم آذربایجان راه و چاه نشان می‌دهند! مردم آذربایجان بی‌توجه به مردار خوارها و زهرپراکنی‌ها به حرکت پوینده خویش برای آبادی و آزادی میهن ادامه می‌دهند و چنان که تاریخ شهادت می‌دهد همواره در راه ایران بزرگ و سرفراز جانفشانی کرده و بارها و بارها نگهدارنده و ناجی ایران از نابودی و تجزیه بوده‌اند و خواهند بود. مردم آذربایجان مانند خود آذربایجان در همه ابعاد زندگی، بزرگ و پربرکت‌اند. جوانان آذربایجانی بر اساس تجارب گذشته و آگاهی به دست آمده از انقلاب اسلامی از هوش و بصیرت خاصی برخوردارند و همه خاک ایران را همانند آذربایجان دانسته به آن عشق می‌ورزند. (حب الوطن من الایمان) و فریاد می‌زنند: آذربایجان جانباز انقلابدان آیریلماز (آذربایجان جانباز از انقلاب جدا نمی‌شود). بهترین سند این ادعا خروش و حماسه‌های دلاوران آذربایجانی در دوران دفاع مقدس و پاسداشت از تمامیت ارضی کشور در جبهه‌های جنوب و غرب بود. همین روحیه و سلحشوری و جانبازی به قوت خود باقی است.

با فضل و رحمت پروردگار و آگاهی و هوشیاری ملت‌های مسلمان منطقه و به ویژه ایران، نقشه‌های خام دشمنان اسلام و به خصوص امریکا، انگلیس و اسرائیل جهت تقسیم و تجزیه کشورهای مسلمان نقش بر آب خواهد شد و مزدوران تجزیه‌طلبشان راه به جایی نخواهند برد. اندک کسانی که در داخل کشور متوجه نقشه‌های پلید دشمنان ایران واحد و قدرتمند نیستند و یا دانسته تمایلاتی نشان می‌دهند، بدانند که خنده بر روی تجزیه‌طلبان، حمل اسب تروا به داخل وطن است و لابد می‌دانیم که اسب تروا چه زائید!

رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) همیشه بر وحدت و یکپارچگی تمام ملت ایران تأکید ورزیدند و از جمله درباره آذربایجان فرموده‌اند:

... ملت اسلام همه با هم باشند و متحد باشند و برادر باشند... در اسلام همین برادری است که مبدأ همه خیرات است و اینها [دشمنان] می‌خواهند این برادری را از ما بگیرند غائله به پا کنند... برادرها را می‌خواهند از هم با [اختلاف] لهجه، مختلف [جدا] کنند. یک وقت هم





غائله آذربایجان را به کار می‌آورند که آنجا هم فریاد می‌زنند که جمهوری آذربایجان... اسلام، قرآن عقد اخوت بین ما انداخته‌اند. المومنون اخوه. مؤمنون همه، نه ترک و نه فارس و نه عرب و نه عجم... همه مؤمنین برادرند... اینها می‌خواهند این برادرها را از هم جدا کنند. در هر جا با یک نغمه‌ای وارد می‌شوند و اذهان صاف جوان‌ها... را تبلیغ می‌کنند بر ضد برادرهای خودشان...^۱

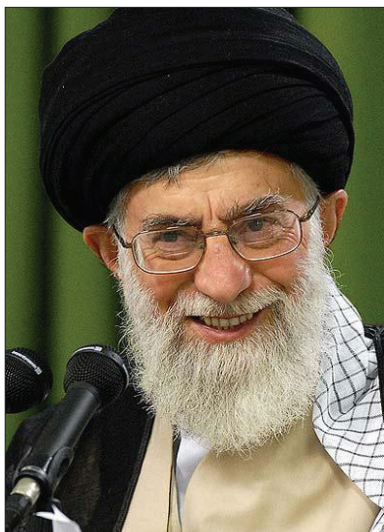
... اهالی تبریز و آذربایجان همیشه طرفدار اسلام و کشور بودند... آذربایجانی همیشه طرفدار اسلام بوده. در هر قضیه‌ای که پیش آمده پیشقدم بوده است. برای رفع ظلم پیشقدم بوده است. آذربایجانی که در صدر مشروطیت ستارخان و باقرخان آن زحمات را کشیدند بعد [شیخ محمد] خیابانی آن کارها را کرد... آذربایجان همیشه در صف اول واقع بوده است برای مخالفت با اشرار و برای پیشبرد اهداف اسلام.^۲

آذربایجان با ملت ایران یکی است. آنهایی که می‌خواهند ایجاد تفرقه کنند را از خود برانید. نگذارید قشرهایی که الهام از خارج می‌گیرند و الهام از دشمنان اسلام می‌گیرند بین جوانان شما نفوذ کنند... عزیزان آذربایجانی شما همیشه طرفدار اسلام و همیشه سد بزرگ [در برابر

۱. صحیفه/امام، ج ۱۱، ص ۳۶۷، سخنان امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱ در دیدار جمعی از دانشجویان تبریز.

۲. همان، ص ۵۲۶-۵۲۴، سخنان امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۱ در جمع بانوان آذربایجانی.

دشمنان! بودید و این سد بزرگ را حفظ کنید. اینها که موجب تفرقه می شوند آلت دست خارج هستند. آنها که در بین اقشار مختلف ملت ما ایجاد نفاق می کنند الهام از خارج می گیرند. ملت ما هوشیار باشد و بیدار.^۱



مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای نیز که پیوندشان با خاک پاک آذربایجان آشکار و مشخص است، همواره به وحدت و برادری ملت ایران تأکید فرموده و از نقشه‌های تفرقه افکنانه دشمنان چنین انداز داده‌اند:

عزیزان من! دشمنان مایل‌اند که ذهن و فکر و روح جوانان را به وسیله امواج مسموم و خطرناک تلویزیون و رادیو تسخیر کنند. جوانان باید هوشیار باشند. جوانان باید بدانند با آنچه از ورای

مرزها به وسیله کسانی که هیچ به سرنوشت این ملت علاقه ندارند می‌رسد، باید با احتیاط برخورد کرد. نمی‌شود بی قید و شرط هر چه را که از آن سوی مرزها می‌فرستند - اعم از کالای فرهنگی و همچنین امواج تبلیغی و فرهنگی - پذیرفت. دشمن در کمین است؛ به خصوص در کمین جوانان. شما در این تبلیغاتی که می‌کنند نگاه کنید! یک کلمه در جهت رشد و ترقی اندیشه مردم حرفی زده نمی‌شود. تبلیغات دشمن در جهت ویرانگری و فاسد کردن است. در جهت معطل کردن نیروی کار و فکر و جسم جوانان است. باید با احتیاط با آن برخورد کرد.... ملت ایران پیش از همه چیز، ایرانی است. ترک و فارس و کرد و عرب و بقیه اقوام ایرانی، افتخار می‌کنند که فرزند «ایران اسلامی» هستند

۱. همان، ص ۵۲۹-۵۲۸، بیان بسیار زیبایی حضرت امام در تاریخ ۱۳۵۸/۱۰/۱۱ در جمع قشرهای مختلف آذربایجان.

که پرچم اسلام را در دنیا برافراشته است... امروز هم همان خائنین یا فریب خورده‌ها در آن طرف مرزهای این کشور، جیره‌خوار دشمنان بدخواه این مردم‌اند. آن کسانی که می‌خواهند مردم را از هم جدا کنند، اسم کرد و ترک و اقوام مختلف را جدا جدا می‌آورند... امروز به فضل پروردگار، در زیر سایه نظام عزیز و پرافتخار اسلامی همه گروه‌ها و اقوام ایرانی دست در دست یکدیگر زندگی می‌کنند و قدر این حکومت، این نظام و این عزت را می‌دانند... شما در کجای دنیا مشاهده می‌کنید که برادران، مثل اینجا در کنار هم با مهربانی و با همزیستی زندگی کنند؟! عزیزان من! این حالت را حفظ کنید. مواظب دشمن باشید. دشمن سعی می‌کند این همبستگی ملی را، این وحدتی را که در سرتاسر این کشور گسترده است به شکل‌های مختلف به هم بزند. مراقب دشمن باشید، دشمن فتنه‌انگیز است. ملت ایران با رشد کامل، پشت سر مسئولین و با کمک آنان راه خود را می‌رود. آینده این کشور و این ملت، آینده روشنی است. به فضل پروردگار، ایران فردا با استعدادهای ظهور یافته و شکفته‌شده و با پیشرفت حیرت‌آور و خیره‌کننده‌ای در چشم ملت‌های عالم، ایرانی آباد است.^۱

... کشور ایران یکپارچه است؛ حتی آن قسمت‌هایی هم که در قرن‌های گذشته جدا شدند، اگر ته دلشان را بگردید، مایل‌اند با ما باشند؛ «هر کسی کو دور ماند از اصل خویش، باز جوید روزگار وصل خویش»؛ آنها هم دلشان می‌خواهد که به این مادر بپیوندند. این کجا، کشور اتحاد جماهیر شوروی کجا؟ ده، یازده کشور را با سنجاق - یا به تعبیری با شلاق - به هم بستند و به اصطلاح یک کشور تشکیل گردید! معلوم است که تا شلاق برداشته شد، از هم جدا می‌شوند و شدند.

البته من همین‌جا بگویم؛ سعی بر این است که مسئله قومیت‌ها در ایران عمده شود. عده‌ای با تحریک احساسات قومی و نفی عامل حقیقی وحدت - یعنی اسلام و دین - دنبال این قضیه هستند... عامل وحدت ملت ایران زبان فارسی نیست؛ دین اسلام است؛ همان دینی که در

۱. سایت اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir. سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مردم ارومیه در تاریخ ۱۳۷۵/۶/۲۷.



انقلاب و نظام اسلامی تجسم پیدا کرد... امروز انگیزه تحریک قومیت‌ها جدی است. همه اقوام ایرانی به ایران و جمهوری اسلامی علاقه‌مندند و ایران را میهن خودشان می‌دانند. بنده پیوندم با منطقه ترک‌نشین معلوم است... اقوام ایرانی مسلمان‌اند و به این آب و خاک دلبسته‌اند. عزت و رفاه خودشان را در ایران سربلند و آزاد مشاهده می‌کنند. اما دشمن مشغول تحریکات است. تحریکات دشمن را نباید دست کم گرفت. مراقب باشید. این از جمله مسائل بسیار مهم است و احساس می‌شود که دست‌هایی در جریان هستند برای اینکه زمام این کار را از دست دولت خارج کنند...^۱ ...اینکه ما بارها تکرار کردیم که تنوع اقوام را ما برای کشورمان یک فرصت به حساب می‌آوریم، این یک حقیقت است. حقیقتاً برای ما تنوع اقوام یک فرصت است. نگاه نظام جمهوری اسلامی به تنوع قومی و تنوع مذهبی مطلقاً نگاه تعصب‌آمیز، قوم‌گرا و یک‌جانبه‌نگر نیست. این را به طور قاطع من اعلام می‌کنم. نه امروز هست که من از نیت خودم و دل خودم حرف می‌زنم، نه در طول زمان‌های گذشته - در دهه ۶۰، زمان حیات مبارک امام (رضوان الله تعالی علیه) چنین چیزی نبوده. نظام جمهوری اسلامی محور قضاوتش اسلام و ایرانی بودن است؛ اسلام و ایرانی‌ت. همه مسلمان‌ها و همه ایرانی‌ها در این نگاه در محدوده جغرافیایی کشور دارای ارزش هستند...^۲

در پایان اشعاری مناسب حال و احوال تجزیه‌طلبان به زبان ترکی آذری تقدیم می‌شود: آدم وار دیر یولون چاشیب آزیری (آدمی هست - کسانی هستند - که راهش را اشتباه رفته گم می‌شود)

بئله بیلمه دیگین یازیری (با این حال از روی نادانی - و جهل - می‌نویسد)

قلم ایلخه خلقه قویی قازیری (با استفاده از قلم برای مردم چاه می‌کند)
حورمت قائل اولمور قلمه (حرمت و احترام برای قلم قائل نمی‌شود)
بیلیمیر ندیر قلم، ندیر قلمه (فرق قلم و قلمه - درخت تبریزی، صنوبر،

۱. همان، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۱۹. /اطلاعات، پنجشنبه ۱۳۷۹/۴/۲۳، ص ۷ و ۱۲.

۲. سایت اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: www.khamenei.ir. بیانات در دیدار برگزیدگان استان کردستان، ۱۳۸۸/۲/۲۴.

سپیدار - را نمی فهمد)
 آدام واردیر آداملیقدا پایی یوخ (آدمی هست - کسانی هستند - که در
 انسانیت سهمی ندارد)
 دورا جناب بیر یابی دیر تایی یوخ (دور از جناب، الاغی است که ماندی
 ندارد)
 بلا نسبت بئله تیپده آیی یوخ (بلا نسبت در چنین شکلی خرسی وجود
 ندارد)
 آدام واردیر دیندیر مسن یاخشی دیر (آدمی هست که اگر به حرف
 نکشی اش بهتر است)
 بال اولسادا سیندیر ماسان یاخشی دیر (اگر غسل هم باشد - برای
 خوردن - نشکنی اش بهتر است)
 آدام واردیر تانیماز اوز بیه سین (آدمی هست که خودی را نمی شناسد)
 اوزونکونو آتار توتار اوز گسین (خودی را ترد و غیر خودی را - به
 دوستی - می گیرد)
 دئنس پاتسان ماتسان دوشر گومانا (اگر بگویی پات و ماتی به شک و
 گمان می افتد)
 هوشی کسمز خلقی باسار یامانا (- چون - عقلش نمی رسد به مردم
 فحاشی می کند)
 آدام واردیر گرک اولوب ارییه (آدمی هست که باید بمیرد و آب شود)
 گجه گوندوز دوشه ییدیر قره یه (روز و شب مشغول کشیدن تریاک
 است)
 آز قالیری آشا دوشه دریه (نزدیک است که پرت شده به دره بیفتد)
 دوز یولونی گده بیلیمیر خان آغا (آقا راه راست را نمی تواند برود)
 آمما قالخیر شوخوملیقدا شلاغا (اما در کشتزار - محیط نرم و راحت -
 جفتک می اندازد)
 لعنت اولسون اوز وطنین دانانا (لعنت بر کسی که وطنش را تکذیب
 کند)
 بیگانه لر حسرتینده یانانا (کسی که در حسرت بیگانگان بسوزد)
 حرمت قائل اولماز اکیب دوغانا (- چنین شخصی - به والدینش حرمت

قائل نمی‌شود)

او آدام کی دانار وطنی یوردو (کسی که وطن و زادگاه را تکذیب کند)
آتار انسانلیغی توتار بوز قوردو (انسانیت را دور انداخته گرگ خاکستری
را می‌گیرد)

من اول ایرانلی یام ایرانلی (من ابتدا ایرانی هستم ایرانی)
اوندان سورا تبریزی اصفاهانلی (پس از آن تبریزی و اصفهانی)
سنندجلی زاهدانلی گیلانلی (-و- سنندجی، زاهدانی و گیلانی
هستم)

گوزللیکده ایران ضرب‌المثل دیر (در زیبایی، ایران ضرب‌المثل است)
ایرانیمین هر گوشه‌سی گوزلدیر^۱ (هر گوشه ایرانم زیبا است)



۱. شعر از علی شهودی، میثاقی، تبریز، س ۱۱، ش ۲۴۸، ۱۲ آبان ۱۳۸۶، ص ۵. ترجمه توسط نگارنده صورت گرفته است.